



نشریه ماهانه:
3rd Series, Issue 62
سری سوم، شماره 62
96 اسفند ماه، February 2018

سردبیر: مینو همتی
Editor-in-chief: Mino Hemati
Email: minohemati@gmail.com
مدیرمسئول: شراره رضایی
Managing editor: Sharareh Rezaei
Email: shararehrezaei.p@googlemail.com



مطالب
بیاتیه سازمان رهایی زن به مناسبت 8 مارس
زنان انقلاب و انقلاب زنان
مهران رضائی گیوی
شاید آن اولین لبخند مادر به تو یاد می دهد که
باید بروی و بروی..... مهرنوش معظمی گودرزی
هیچکس روسپی نیست
مصاحبه سحر صامت با سپوژمی جبارخیل
فریاد بی صدا ی ترنمها در ایران
اصغر کامروا
مروری به تاریخچه تبعیض جنسیتی در ایران
معصومه توکلی
نام نقاشی "حراج" کاری از: مریم رضائی گیوی
مبارزات زنان و 8 مارس دیگر
مریم رضائی گیوی
اوج نا امنی ها و بیجاده شده گان داخلی و خارجی در
افغانستان
ماریا یوسفزی
برگزاری 8 مارس در کنار زنان مهاجر در یونان
گفتگوی سحر صامت با فرشته نوری ژورنالیست
و فعال حقوق زنان
قدرت کارگران در اعتصاب و اتحاد است
پروین محمدی
شعر "گوش کن" ترجمه: ماریا عباسیان
فراخوان برای تجمع هشت مارس در ایران
صفحه خبری
• نامه شهین مهین فر به گلرخ ایرانی و
سهیل عربی که بیش از 20 روز در
اعتصاب غذا هستند و حالشان وخیم است
• نامه زینب جلالیان زندانی سیاسی دربند به
گلرخ ایرانی و آتنا دانمی
• تجاوز و ضرب و شتم کودک 5 ساله افغانی
در اصفهان
راه های تماس با سازمان رهایی زن و با نمایندگان
رهایی زن در هر کشور، فرکانس پخش ماهواره
ای در ایران
معرفی سایت هایی برنامه های تلویزیونی، نشریه
ها و تلگرام

در حمایت از مبارزات دختران خیابان انقلاب
علیه حجاب و کلیه قوانین زن ستیز
در مراسم 8 مارس با ما هم صدا شوید
LONG LIVE MARCH 8, INTERNATIONAL WOMEN'S DAY!



به نشریه رهایی زن بپیوندید
لطفا برای ارسال مقاله سیاست های نشریه مندرج در صفحه ی آخر را مطالعه بفرمایید.
برای نشریه رهایی زن مطلب و مقالات "اجتماعی، حقوقی، روانشناسی، جامعه شناسی، بهداشتی، تجارب و گزارش های شخصی. از زندگی زنان
(خودتان) و کودکان ..."، شعر، اخبار، گزارش، ترجمه، معرفی کتاب و فیلم های خود را می توانید به آدرس ایمیل های زیر ارسال
کنید.
Markazi@RahaiZan.org



اطلاعیه سازمان رهائی زن به مناسبت گرامی داشت 8 مارس روز جهانی زن

### زنده باد هشت مارس روز جهانی زن

چهار دهه از نخستین تعرض وسیع ارتجاع اسلامی به حقوق زنان میگذرد. حاکمان تازه بدوران رسیده با شعار یا رو سری یا توسری سودای بردگی ابدی زنان در نظام سرا پا تبعیض اسلامی را در سر میپوراندند.

از همان ابتدا با تظاهرات وسیع زنان در اولین هشت مارس، جنبش رهائی زن در ایران اسلام زده کلید خورد. ارتجاع اسلامی اوپاش و تحصیلکرده هایش را بسیج کرد تا این جنبش را در خیابان و در اندیشه سرکوب کند. سعی کردند با روز فاطمه زهرا و زینب این روز و آرمانهایش را بفراموشی بسپارند. غافل از آنکه جنبشی که با عزم جزم زنان سوسیالیست کلید خورد با صغرا و کبرا به خانه نمیرود بلکه در هر شکل ممکن به حیات خود ادامه میدهد و با انتقال تجربیات و سنت مبارزاتی خود به نسلهای بعدی مبارزه برای تحقق آزادی و برابری را بسرانجام میرساند.

توده های تحت ستم و استثمار در خیزش دیمه در رفراندومی مردم خیز رای خود را به خاکسپاری این نظام گنبدیده و متعفن داده اند. مشارکت گسترده زنان در این مصاف نشان از پایان تحمل کردن نظام و قوانین زن ستیز و ضد انسانی حاکمیت اسلام میباشد.

جرقه ای که دختران خیابان انقلاب به عیای پوسیده نظام زن ستیز زدند، حجاب، این سمبل یوغ بردگی زن و ستون اصلی تبعیض جنسی و تحقیر زن را نشانه گرفت و این آتش خاموش شدنی نیست.

ما شاهد حضور نسلی از زنان و مردان آزادیخواه و برابری طلب در صحنه مبارزه برای احقاق حقوق زن هستیم که تازه نفس و مصمم در هر مکان و زمان ممکن نظام متحجر و پوسیده حاکم را به چالش میکشد.

واقعیت امروزی حکایت از برهم خوردن توازن قوای اجتماعی دارد. دو بال اصلاح طلب و محافظه کار خفاش حاکم در دیمه شکسته شد و دیگر قابل ترمیم نیست. جنبش میلیونی رهائی زن در همبستگی با جنبش دانشجویی و جنبش کارگری و دیگر اقشار تحت ستم فریاد میزند به کمتر از آزادی و برابری رضایت نمیدهیم.

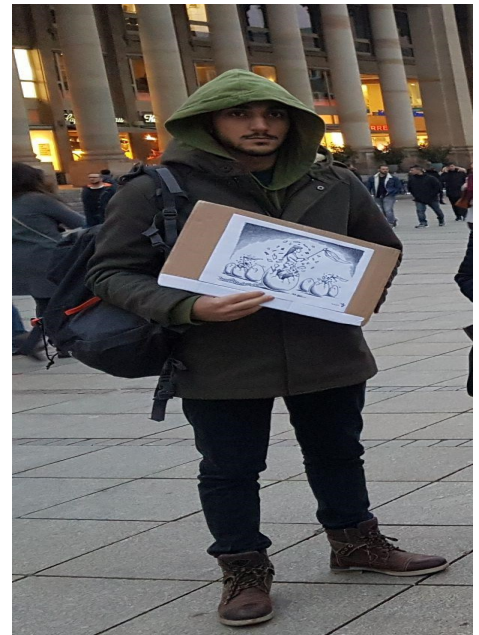
نه گفتن به حجاب حق مسلم ماست!

زنده باد آزادی و برابری

سازمان رهائی زن

"زنان انقلاب" و انقلاب زنان

مهران رضانی گیوی



8 مارس زنده کننده تاریخ مبارزاتی زنان جسور کارخانه ی پارچه بافی در آمریکاست. جرقه ای که انقلاب و تحولی اساسی بیا کرد تا این روز با گذشت بیش از 100 سال با تمام محرومیت ها و اسارت ها و نابرابری ها علیه زنان، روز جهانی زن نام بگیرد.

در ادامه مبارزات زنان اکنون روزهایی را شاهد هستیم که زنان در ایران دست به حرکت جسورانه ای زده اند. نرگس حسینی دختری که به حجاب اجباری اعتراض کرد و دستگیر شد. خودش شخصا گفته از اصلاح طلبان بوده و به امید اصلاحات بود ولی دیگر ناامید و خسته است و به جایی رسیده که دیگر می داند اصلاحات جواب نمی دهد و به عبارتی آزادی زن با ممشات با رژیم امکان پذیر نیست و نخواهد بود. امروز زنان به این رسیده اند که مگر می شود آزادی زن را با شال سفید و آنهم در یک روز خاص بنام چهارشنبه های سفید بدست آورد. تاریخ گواهی می دهد که آزادی خواهان و برابری طلبان و کمونیست ها همیشه از سوی محافظه کاران به تندی و آرماتگرایی متهم بودند و هستند و حرف هایی را که محافظه کاران به آن رسیده اند سال ها پیش گفته اند. آزادی زن و برابری تاریخ و پرچمی دارد که ریشه های نابرابری و ستمگشی را نشانه می گیرد که نه تاریخچه و افق خود و نه درک و درایت مردم را به شوخی می گیرد.

تبعیض و نابرابری، زندگی هزاران زن را ویران کرده است. از خشونت های خانوادگی، قتل های ناموسی تا خشونت های سازمان یافته دولتی مثل اسیدپاشی روی صورت زنان و تجاوز به کودکان خردسال با عنوان ازدواج، ایجاد قوانین تبعیض آمیز استخدام و عدم استخدام، آمار زنان تن فروش، کارتن خواب و معتاد افزوده می شود. اینها ارمغانی ست که حکومت اسلامی زن ستیز به زنان داده است. 40 سال زمانی ست که هر آدم متوهمی که امید به اصلاح طلبی داشت را قانع می کند که با چنین رژیم ضد زنی سر سازش و آشتی محال است. زنان دیگر نمی خواهند خود را پنهان کنند، دیگر از موش و گربه بازی خسته اند و به درست می رود در شلوغ ترین خیابان "انقلاب" را انتخاب می کنند و درمیان سکوت و بهت چهره های بی تفاوت مسخ شده، با عمل شان فریاد می زنند ما از حجاب متنفریم، آزادی می خواهیم، برابری و اختیار انسانی می خواهیم و از اسلام و دین که ما را مجبور به تحمل شرایط سخت و نابرابر می کند متنفریم، ما انسانیم و حق انتخاب داریم.

اقدامات جسورانه زنان می تواند تلنگری بر انسانهای اسیر و مسخ شده ای باشد که هنوز پی نبرده اند که حاکمیت با محدود کردن و اسارت زنان، کل جامعه را به اسارت و بندگی گرفته است. تماشاجیانی که باید بدانند حمله به حقوق زنان، حمله به کل جامعه و طبقه ی کارگر است. گسترش اعتراضات زنان و موقعیت آنان می تواند زنان را به خواست ها و مطالباتی فراتر پیش ببرد. زنان و مردان ایران باید برای بازپس گیری جایگاه واقعی و انسانی شان از مرتجعین اسلامی و برای احقاق مطالبه ی آزادی و برابری شان همگام و متحد این مبارزات را گسترش داده و به پیروزی برسانند.

آبروی نداشته ی حکومت دیگر رفته است. حکومتی که تلاش می کرد تا از مردم جامعه و خصوصا زنان ایرانی تصویری اسلامی و محجبه به دنیا القاء کند، اکنون در مدت کوتاهی با گسترش اعتراضات مردمی به کل نظام و تصاویر اعتراضات "دختران انقلاب" رویاهایش برباد رفته و لرزه به ستونهایش افتاده است و اخبار دختران متنفّر و منزجر از حجاب در رأس اخبار دنیا قرار گرفت و حتی نظام های سرمایه داری اروپایی که روابط خوب اقتصادی با حکومت ایران دارند سرتیتر روزنامه هایشان این بود: "آیا در ایران انقلابی در راه است؟". جمهوری اسلامی خوب میدانند که

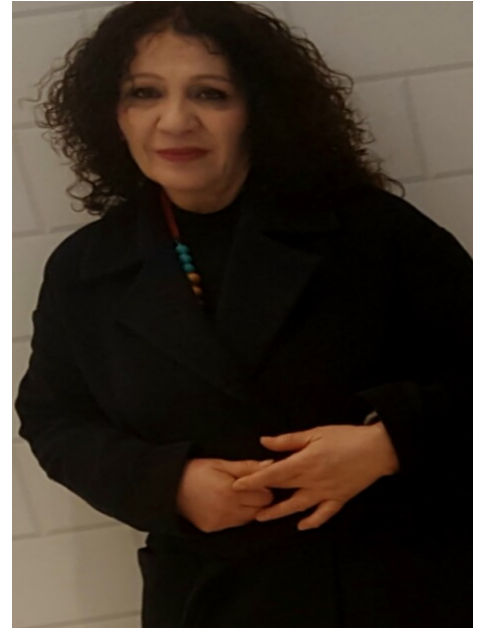
اینبار کل نظام نشانه گرفته شده است "اصلاح طلب، اصول گرا، دیگه تمام ماجرا". در طرف مقابل این شعارها تلاش بی ثمر بعضی چهره ها برای به مسالمت کشیدن این اعتراضات و حتی گستاخی ملایان علیه دختران انقلاب و تهدید جوجه بسیجی های دهان دریده به فروش زنانی که بدنبال آزادی هستند به کشورهای عربی. این اراجیف و بی شرمی رژیم و دار و دسته اش ذره ای از مبارزات و خواست مطالبات بحق زنان نه تنها کم نمی کند بلکه بیش از پیش جسورتر و قوی تر برخواست خود پافشاری می کنند. کسی که با دیدن اینهمه کشتار، سرکوب، دستگیری ها و شکنجه و تاریخ سیاه حکومت ایران باز حرف از "رفراندوم" میزند حتما یا نگران از دست دادن جایگاه و موقعیت ش است و یا سود و سرمایه اش در خطر می افتد. این اعتراضات و جنبشی که به آن تعلق دارد نشان داد که دیگر سرسازش با رژیم را نمی تواند داشته باشد.

علی مطهری نایب رئیس مجلس گفته است " این که چهار نفر روسری خود را هوا می کنند، اتفاق مهمی نیست". اگر مهم نیست چرا نیروهای درنده تان را بسیج کرده اید و در ابعاد ده ها و صدها نفره دستگیر کرده اید و با وثیقه های سنگین آزاد می شوند؟ وحشت تان از چیست؟ شورش های اخیر به خوبی نشان می دهد که مردم حاضر به پذیرش تفکرات و قوانین ارتجاعی اسلامی نشده اند همانطور که در 8 مارس سال 57 بیش از 5 هزار زن در خیابان ها دست به اعتراض زدند و فریاد زدند: "ما انقلاب نکردیم تا به عقب برگردیم". و حکومت با تمام تجهیزات سرکوبگرش با ضرب زور و تیغ و اعدام نتوانست مردم را وادار به تمکین پذیرش ارتجاع اسلامی ش کند و این مبارزات ادامه دارد. این روزها این دو فاکتور یکی جنبش زنان که همان تندبیچ عبور زنان از مرز خط قرمزهای اسلام و دین است و دیگری "خیزش گرسنگان" که متعلق به جنبش طبقه کارگر و محرومین جامعه را شامل می شود دامن جمهوری اسلامی را گرفته و به طور قطع این دو عرصه مبارزاتی برای رژیم خترساز و برای مردم سرنوشت ساز است.

دخترانی که هر روز تکثیر می شوند و می خواهند خود را از چنگال دین و بهشت زورکی رها سازند و با آگاهی کامل از خطر دستگیری، هر روز در جای جای گوشه و خیابان ها روسری ها بر روی چوبی برافراشته می سازند و دامنه مبارزاتشان را

گسترده تر می کنند. دختران انقلاب دیگر جهانی شده اند و مرز و سن و سال نمی شناسد. مادر سالخورده ای که به سختی در میدانی بالا می رود. مردان آزادی خواه و برابری طلبی که پیام شان به زنان این است که "تنها نیستید" و این می تواند آغازی باشد برای پایان دادن به تمامیت سیستم ضد انسان و ضد زن رژیم اسلامی ایران./

**شاید آن اولین لبخند مادر به تو یاد می دهد که بروی و بروی.....**  
**مهرنوش معظمی گودرزی**



بودند. در این میان تعداد بیشماری از زنان با جنگ، خانه و زندگی و همسر آن خود را از دست دادند، و فقر و تنگدستی آوارگی سختی تا پایان عمر آنها را همگام بود.

شاید آن اولین لبخند مادر است که کودک در روزگار خود آن را بلند که دارد و نمی ایستد ، میگذارد که زندگی در درون او بجوشد.

جنگ سرزمین ها را در آتش بیرحمی می سوزاند ، آشیانه ها را ویران می کند . و حکایت ها از خود بجای میگذارد و البته با قهرمانان های مرد ، از این داستان ها زیاد گفته شده است ، اما سکوتی درباره نقش زنان در جنگ ها و بحران ها بسختی سنگینی می کند. زنان .. صدای زنان در این داستان ها و گزارش ها خاموش است ، جنگ ها

جنگ آمریکا در ویتنام ، بیش از ۳۰۰۰۰ کتاب درباره این جنگ نوشته شده است . ، سربازانی ، روانی و با اختلالات روانی و افسردگی شدید هیچگاه از آن اتفاقاتی که رخ داده بود چیزی نگفتند . اما در سال ۱۹۶۹ ، ۳۱ اگوست ، داستان یک تجاوز هولناک در سراسر ویتنام پیچید . یک تجاوز گروهی ، که چندین بار تکرار شده بود . دخترک بشدت صدمه دید . چند تن از این سربازان آمریکایی که هنگام تجاوز برای رفع بحران روحی الکل زیادی مصرف کرده بودند ، بعد ها دست به خودکشی زدند . در ویتنام زنان جوان با بارداریهای اجباری در تنهایی و آشفتگی زندگی دوران جنگ به جنون می رسیدند ، زایمان و ترک نوازد، یک عمر حسرت از دوری کودک و سربازان ارتش آمریکا در طول جنگ مرتباً به زنان تجاوز میکردند . و ویتنام بود با زنان قهرمانی که با نارنجک ها دست به خودکشی انتحاری می زدند ، انتقام و مردنی برای رهایی دیگران .

شاید آن اولین لبخند مادر است که کودک همیشه در طول عمر تابیدن نور آفتاب حمایت یک زن را خواهان است .

اما فاجعه ها در طول تاریخ بسیار است و تصویر نقش زنان کم رنگ . یکی از این فاجعه های که هرگز از یاد نخواهد رفت جنگ یوگسلاوی سابق است ، جنگ بوسنی که از سال ۱۹۹۲ آغاز و در سال ۱۹۹۵ با امضای قرارداد «دیتون» به پایان

خانواده فرو می ریختند . زنان از سر خوردگی و بروز ترس در حضور کودکان بشدت خودداری میکردند .هیجان آن خانه های فرو ریخته ، ان پنجره های شکسته ، کوچه های خالی از همسایه ها و رفت آمدها ، ان محله با مغازه های بسته و خیابان های سوراخ از گلوله و بمب فقط از صدای زنان در نگرانی کودکان و مردان پخش می شد و به آنها امید را باز بر می گرداند.

شاید آن اولین خنده مادر است که کودک در سراسر عمر ، در سربالایی ها و سراسیمگی های زندگی یک نوای دل انگیز عشق را دنبال می کند که از پای نیفتاد.

در آفریقا مردان برای جنگ خانه ها را ترک می گویند و زنان با کودکان تنها می مانند. گاه کیلومترها با پایهای برهنه راه میروند تا بتوانند آب آشامیدنی برای کودکان خود حمل کنند و این تنهایی گاه همیشگی می شود . مردان هرگز باز نمی گردند ، کشته می شوند و یا در نقطه ای دیگر از سرزمین سکونت می گزینند و خانواده ای دیگر تشکیل می دهند . همسر اول و بچه ها فراموش می شوند.

شاید آن اولین لبخند مادر است که چون سایه ای کودک را در سقوط ها دنبال می کند.

جنگ ، این بلای جهانی . بیش از 10 میلیون نفر در جنگ جهانی اول به کام مرگ فرستاد شدند و میلیون ها نفر را آواره کرد . زنان که بیش از هرکس قربانی سوء استفاده، بردگی و تجاوز قرار گرفتند ، آنها در صف مدافعان از کشور خود که مورد تهاجم قرار گرفته شده بود دفاع میکردند . و مثل همیشه در کنار مردان در خانه و کارخانه، سازمان های دولتی پشتیبانی و جبهه ها بودند همه جا زنان فعالانه شرکت داشتند . گروهی داوطلبانه به یادگیری فنون نظامی پرداخته و به خط مقدم نبرد اعزام شدند و هزاران زن نظامی در جبهه های نبرد جان خود را از دست دادند و بسیاری دیگر هم که زنده ماندند قربانی سوء استفاده و تجاوز شدند. طبق گزارشات مورخان زنان بلژیک توسط سربازان امپراتوری آلمان مورد تجاوز و آزار جنسی قرار گرفته

شادی ، شادی شاید با همان اولین خنده مادر کودک نوای شادی را در رگ های خود فرو می ریزد ، ان خنده ، ان تشنه عشق بودن ، را می شناسد ، احساس می کند ، احساسی که هنگام غروب ها ، شفق ها به آن احتیاج دارد.

در تمام جوامع بخوبی نشان داده شده است که نقش مادر و یا زن در زندگی فرزندان و شوی و یار خود چقدر موثر بوده است . زن سرشار از یک نیروی برای خواستن و بدست آوردن است ، و همه جا و به هر زبان و لباس به همین بوده است . زنان فلسطینی زحمت کش هر صبح که پنجره را می گشایند علیرغم همه پیامد های ناگوار که هر لحظه در پی آنان است با خنده های بلند و آواز های خوش صدا روز را سلام می گویند . حتی نگرانی از گرسنگی و مرگ خنده این زنان را کم سو نکرده است . در تحقیقاتی که چند روانشناس نروژ ی در دهه ۹۰ از قسمت های جنگ زده افغانستان و عراق و یوگسلاوی سابق بعمل آورده بودند به یک نتیجه رسیده بودند که در آن فضای سکوت و انزوا ، نگرانی و پریشانی که مردان با سکوت و لب خاموش به انتظار حادثه ها و مرگ بودند ، زنان با گفتگو ، خنده ، درد دل نیرویی را به دل روز

رسید و بیشترین صدمه بر زنان و کودکان بوسنیایی وارد شد.

جنگ با مردم غیر نظامی، این حادثه یکی از فجیع ترین حوادث تاریخی و بعد از جنگ جهانی دوم بزرگترین نسل کشی در قاره اروپا به شمار می رود که به نسل کشی، قتل عام و کشتار گروهی و تجاوز مسلمانان انجامید. در جنگ بوسنی زنان مسلمان بسیار آسیب دیدند. طبق یک گزارش که توسط هیئت حقیقت یاب اتحادیه اروپا در دسامبر سال ۱۹۹۲ آماده شد حاکی از آن است که سربازان صرب بوسنی به ۲۵ هزار زن تجاوز کرده اند که بیشتر آن ها از قومیت های مسلمان بودند. این گزارش اشاره می کند که این اقدام بخشی از الگویی آگاهانه از سوءاستفاده جنسی بوده که بر اساس آن تجاوز جنسی نه اتفاقی و تصادفی، بلکه به خودی خود در خدمت هدفی استراتژیک به کار گرفته شده بود.

پاکسازی قومی و نژادی

تجاوز بدستور رهبران بعنوان تاکتیک جنگی تجاوز جنسی به عنوان ابزار نسل کشی علیه جمعیت های قومی زنان قربانی شهادت داده اند که در حین تجاوز سربازان به آنها گفته اند که می خواهند باردارشان کنند تا بچه ها نژادشان با مادرانشان متفاوت شود و یا می گفتند که به آنها تجاوز می کنند تا آنها را بخاطر مسلمان بودنشان مجازات کنند.

بارداری های اجباری که در بیشتر موارد این تجاوزها در حضور افراد دیگر خانواده یا افراد دهکده آنها انجام گرفته است.

اما زنان با تمامی این فاکتور ها از خشونت که در چنگالش گیر افتاده، امیدوار است که از طریق مبارزه شرایطی بوجود آورد که بوسیله آن از بی حقوقی و تجاوز روحی و جسمی رها شود. در جامعه به قدرت دست یابد. و کنترل جسم خود را دلشسته باشد، که دیگر پایانی بر بردگی جنسی باشد. آنها تا آنجا پیش رفته اند که تجاوز جسمی را گناهی بر خود نمی دانند. آنها با اخلاقیات زنانه و باور های منزه انسانی به جهان می نگرند.

این سرود، این آواز طنین نغمات درونی زن قدرت او است که همیشه بعنوان، مادر خواهر، و یار در مبارزات مرد را همراهی می کند.

### هیچکس روسپی نیست تهیه ی گزارش: سحر صامت



روسی یا همان فاحشه از رکیک واژه هایست که زنان جهان حداقل برای یک بار هم که شده با آن روبرو، چه از سوی اعضای خانواده و یا چه از سوی افراد در اجتماع به آنها نسبت داده شده است. اکثر زنان با شنیدن این کلمه بارها و بارها مورد خشونت کلامی که بزرگترین آسیب های روانی را با خود به همراه دارد مواجه شده اند. میزان این آسیب ها میان دختران و زنان آسیایی و به خصوص زنانی که از جوامع سنتی که تاکنون مردسالاری حرف اول را زده و بخشی از افتخارات فرهنگی آن اجتماع می باشد و پدیده ی زن ستیزی که حتی از سوی خود زنان بر هم جنس خودشان تحمیل می شود آمار بسیار چشمگیری دارد.

واژه یی که برای ابراز تنفر و انزجار به سادگی که توسط یک فرد بی آنکه پیامد ها و

آسیب های روحی را درک و یا در نظر بگیرد در مقابل یک زن بیان می شود. اینجاست که آن زن بارها در خودش سرکوب و از درون می شکند.

امروزه زنان در کشورهای توسعه یافته و مرفعی با توجه به بالا بودن میزان تحصیلات و آزادی بیان با تمام وجود تلاش برای بدست آوردن حقوق مدنی خود هستند و با راه اندازی کارزار ها و تجمع ها تلاش برای محو انواع خشونت های خانگی و اجتماعی هستند تا احزاب و سیاستمداران کشور را برای ایجاد یک فضای امن و تصویب و اجرای قوانین جزایی در مقابل این پدیده علیه خودشان قانع کنند. میتوان به کارزار " می تو" که اخیرا بازتاب گسترده یی در رسانه ها و شبکه های اجتماعی داشت و تعداد زیادی با این هشتگ به جمع این کمپین پیوستند اشاره کرد. در این اواخر دریافت جایزه برای برگزاری این کارزار پر طرفدار که دادخواهی برای حقوق مدنی زنان در اجتماع دستاورد خوب و تشویق بیشتر برای زنان در این راستا ست. اما آیا زنان تا چه میزان توانسته اند فضای خانه و امکان عمومی را در اجتماع را خود امن کنند؟ آیا با وجود این همه تلاش زنان از خشونت های کلامی در جوامع پیشرفته و جهان اولی محفوظ اند؟

در اواخر سال ۲۰۱۷ میلادی یک تن از فعالان حقوق زن افغانستانی، با راه اندازی یک کمپین برای محو استفاده از واژه ی روسپی در مقابل زنان، یک بار دیگر تابو شکنی کرده و در تاریخ فعالیت های مدنی زنان افغانستان یک حرکت ارزشمند را به ثبت رساند.

گفتگویی داشتم با سپوژمی جبارخیل برگزارکننده ی کارزاری تحت عنوان

"هیچکس روسپی نیست" در شهر گوتنبرگ کشور سویدن از وی خواستم تا به صورت مختصر خود را معرفی کند

**سپوژمی:** من در خردسالی به همراه خانواده ام کشورم را به مقصد نروژ ترک کردم. می توانم بگویم که ذهن یاری نمی کند تا کدام خاطره از زندگی ام در افغانستان را به یاد بیاورم زیرا خیلی سنم کم بود که افغانستان را ترک کردیم. تحصیلاتم را در نروژ در زمینه ی دستیار پرستار و مدیریت بازرسازی فرهنگی مدرک اخذ نموده ام. از سن ۱۶ سالگی شروع به فعالیت های مدنی کردم و اولین فعالیتیم را با حزب کارگری نروژ آغاز نمودم.

من در راستای جوانان این حزب فعال بودم به طور مثال همراه با تیمم تلاش می کردم که دولت نروژ قانع سازم تا خانه های رایگان را در اختیار جوانان در هنگام تحصیل قرار دهد. وقتی کمی سنم بالاتر رفت بین ۱۸ تا ۲۰ سالگی اوضاع و احوالات زنان به خصوص زنان افغان توجه ام را به خود جلب کرد. ذهنم درگیری این موضوع شد که چگونه بتوانم به زنان یاری برسانم تا حقوق انسانی خود را مطالبه و آزادی را لمس کنند و متوجه این موضوع شوند که حقوقشان با مردان یکسان است. سپوژمی می گوید: ایده ها را به سر داشتم اما نمیدانستم چگونه و از کجا آغاز کنم، شاید هم امکانات برای آغاز یک کار جدی آنگونه که من توقع داشتم در وجود نداشت به هر صورت زمانی که من برای زندگی به کشور سویدن آمدم و ارتباطاتم با.

پناهندگان به خصوص مردم افغانستان بیشتر شد آگاهی من در این زمینه بیشتر شد و با تمام وجود حس کردم که باید قدمی در این راستا برداشته شود.

به این فکر افتادم که باید کارهایی در زمینه ی ادغام زنان پناهجو صورت بگیرد تا زنان از حقوق اجتماعی خود در این سوی آنها مطلع شوند. تاکنون در چنین پروژه سهم داشتم. ساختن یک سازمان زنانه یکی از آرزوهای قلبی من بود سازمانی که بیشترین تمرکز را روی مسایل زنان داشته باشد و چندین بار تلاش کردم اما در نیمه ی راه متوجه ی یک سری مسایل و باریکی ها شدم. بارها در زمینه ی زن و حقوق مدنی اش سخنرانی ها داشتم که به چه دلایل زنان پناهجو باید در جامعه ی کشورهای غربی ادغام شوند و اینکه زنان پناهجو نیز باید



مانند زنان سوئدی در جامعه حضور پررنگ داشته باشند تا بتوانند قدرت های زنانگی خود را در زمینه های مختلف در اینجا تجربه کنند. بالاخره با سعی و تلاش رویایم به حقیقت پیوست و من به همراه چند دختر جوان محصل افغانستانی به تازگی یک سازمان زنانه تشکیل دادیم. می گوید من سازمان های زیادی از پناهجویان را در کشور سوئدن دیدم اما هیچ کدام به نام یک زن افغان نیست. او می افزاید: انجمن ها و یا سازمان ها بیشتر به خود عنوان های نامی فرهنگی یا قومی را داده اند اما با وجود اینهمه مشکلات فرهنگی که زنان جهان سومی و به خصوص افغانستانی ها با آن روبرو هستند کسی به فکر راه اندازی سازمان و یا انجمنی برای زنان نشد. سپوزمی می افزاید: زنان باید یک مکان امن برای تجمع و رفع مشکلات خود داشته باشند منبع بی که در صورت نیاز از هر لحاظ به تواند به آنها کمک و یاری برساند. از جبارخیل پرسیدم چه اتفاقی افتاد تا شما را به برگزاری کارزار هیچکس روسپی نیست واداشت؟

صبح روز دوشنبه ۱۱ ماه دسامبر بود. کمی سرم ناوقت شده بود برای رساندن خودم به سر کار بسیار عجله داشتم چون هم روز

این کارزار شانه به شانه در کنار ما ایستاده و حمایت خود را اعلام کردند. این در حالیست که تعداد زیادی از زنان افغانستانی روزانه حتی بارها با شنیدن این کلمه در مدرسه، سر کار، در خانه و غیره امکان مواجه می شوند.

**سحر:** چقدر در جامعه ی قانونمندی مانند سوئدن بیان این واژه به زن رایج است آیا شما کدام تحقیق و بررسی در این زمینه داشتید؟

**سپوزمی:** بله من با شاگردان دختر در مدارس ارتباط برقرار کردم تعداد زیادشان به من گفته اند که دست کم یک بار در محیط عمومی مانند مدرسه روسپی خطاب شده اند. مدیران و معلمان مدارس نیز با تایید حرف شاگردان گفته اند که متأسفانه تا امروزه یکی از مشکلات بزرگ برای شاگردان دختر همین موضوع است. حتی ما از مرکز شهر و " نیلس اریکسون " ایستگاه مرکزی اتوبوس و قطار گرفته تا فرودگاه لندون در این زمینه از زنان سوئدی پرس و جو و نظر سنجی کردیم. متأسفانه تعداد زیادی از زنان گفته اند که چنین تجربه بی را دارند.



**سحر:** برگزاری این کمپین تا چه میزان توجه رسانه های سوئدی و یا دیگر رسانه ها را به خود جلب کرد؟

**سپوزمی:** اولین واکنش از سوی تلویزیون ملی سوئدن بود برگزاری این کمپین سرخط خبری این تلویزیون قرار گرفت همچنان با من گفتگویی در این زمینه صورت گرفت بعد از آن توجه منبع خبری بی بی سی به این کارزار جلب شد بی بی سی به زبان پشتو، فارسی، دری و ایرانی " این کمپین را پوشش خبری داد. همچنان یک ایمیل از سوی بی بی سی به زبان انگلیسی در زمینه ی گفتگو در یکی از برنامه ها راجع به کارزار هیچ کس روسپی نیست دریافت کرده ام.

برای کارکنان بخش خبری بی بی سی به زبان انگلیسی جالب بود که چطور یک زن ادامه در صفحه ی 10

قبلش هم تولدم بود و چند روز قبل ترش هم مادر همسرم وفات کرده بود بنابراین روز یکشنبه خیلی حس و حال خوبی نداشتم و شب نتوانسته بودم به خوبی استراحت کنم. صبح فردایش زمانی که خانه را به قصد سر کار ترک کردم از پیش خانه سوار تراموای شدم و چند ایستگاه بعد برای سوار شدن به تراموای بعدی پیاده شدم. چند قدمی را برای رسیدن به ایستگاه باید راه می رفتم و سرعتم زیاد بود.

همزمان یک مرد دیگر که او هم نیز مانند من عجله داشت از کنارم گذشت و شانه ام به شانه اش اصابت کرد. در همان ثانیه ی اول آن مرد با عصبانیت فریاد زد روسپی لعنتی مواظب باش، سپوزمی که ناخواست هویت آن مرد فاش شود گفت: با شنیدن این جمله خیلی حالم بد شد. گرچه در گذشته به خاطر فعالیت هایم در دنیای مجازی با چنین جمله یی روبرو شده بودم اما این بار اولی بود که در دنیای واقعی چنین واژه یی به من نسبت داده شد. تخریب شنیدن این کلمه به گونه ی زنده آنقدر بر من اثر منفی گذاشت و برخورد و نگاه آن مرد من را به فکر کردن واداشت که خب امروز برای اولین بار یک نفر من را روسپی یا همان فاحشه خطاب کرد و چنین در خود شکستم پس وای به حال زنان و دخترانی که بارها و بارها در محیط خانه و با امکان عمومی در سنین مختلف با چنین الفاظی مورد خشونت کلامی قرار میگیرند دقیقاً همین حس و فکر مرا واداشت تا اقدام برای ایجاد این کارزار کنم.

**سحر:** این کمپین چگونه و با وجود چند نفر آغاز شد؟

**سپوزمی:** این کارزار با حضور ۱۵ دختر افغان که تعدادی از آنها در استکهلم زندگی می کنند و بقیه در شهر گوتنبرگ قبل تجلیل از مراسم کریسمس آغاز شد.

**سحر:** واکنش دیگر زنان افغانستانی به عنوان کسانی که به گونه یی از اشکال مورد خشونت قرار گرفته اند در مقابل این حرکت مدنی چگونه بود؟

**سپوزمی:** زنان افغانستانی در این زمینه ما را خیلی یاری نرساندند حتی زنان فعال.

**سحر:** به نظر شما دلیل این سکوت چیست؟  
**سپوزمی:** به دلیل سنتی بودن افکار افغانستانی های مقیم کشور سوئدن. بالخصوص خود زنان در این سوی آنهاست. هضم این موضوع که زنان خودشان بر پا خیزند و کاغذی را که روی آن نوشته شده باشد هیچ کس روسپی نیست را در دست گرفته و دادخواهی کنند سخت است، همچنان اشتراک در چنین کارزارهایی را شرم می دانند. زنان اهل کشور سوئدن به راحتی این موضوع را درک کرده و تعدادی از آنها در

فریاد بی صدای ترنسها در ایران

اصغر کامروا



ترنس یا ترنسجندر نام متعارفی است که افراد دارای اختلال هویت جنسی را با آن می‌شناسند، گرچه صحیحش چیز دیگری است. ترنس به معنای عبور و ترنسجندر یعنی کسی که از جنسیت خود عبور کرده. در واقع واژه ترنسجندر به فردی اطلاق می‌شود که عمل تغییر جنسیت را انجام داده است. در ایران او را بیمار دارای اختلال هویت جنسی می‌دانند. مطبوعات ایرانی اقدام به انتشار آمارهایی در این رابطه کرده اند،

اما این آمارها از یک منبع به منبع دیگر متفاوت است. افرادی که توسط جامعه به عنوان ترنس شناخته میشوند، هم از سوی دولت و هم از سوی اجتماع در معرض خشونت و آزار قرار میگیرند.

مردان ترنس معمولاً بخاطر نداشتن حجاب دستگیر میشوند، و زنان ترنس به دلیل اقدام به مبدل پوشی در مال عام، داشتن آرایش غلیظ، و یالباس پوشیدن به سبکی که با الگوهای تحمیل شده توسط دولت در منافات است، دستگیر میشوند. این آزار و اذیتها از سوی پلیس حتی پس از آنکه افراد ترنس نامه رسمی پزشکی قانونی را دریافت کرده اند نیز ادامه دارد. همین موضوع برخی اوقات منجر به پیشنهاد راه حل‌ها و مشاوره‌های نا درست، و مشکل آفرین و یا حتی خطرناک میشود. بنابراین، چارچوب قانونی در ایران، ناتوان از به رسمیت شناختن افراد ترانسنسیتی‌ای است که تمایلی به فرآیند تعیین جنسیت ندارند. ولی در همین فرآیند پزشکی، محدودیت‌های وجود دارد. همه افراد ترانسنسیتی مایل و یا قادر به انجام عمل تعیین هویت جنسی نیستند، و برخی دیگر حتی اجازه انجام چنین عملی را ندارند. به عبارت دیگر، عمل تعیین هویت جنسیت برای همه

تضمین شده نیست. به علاوه، بسیاری از افراد ترانسنسیتی، به خاطر تبعیض‌ها در جامعه، دسترسی به فرصت‌های اجتماعی، آموزشی، و شغلی ندارند و این موضوع آنان را از فرصت‌های اقتصادی بی‌بهره می‌کند. همچنین، به خاطر صفت هاو تبعیض‌های اجتماعی، بسیاری از افراد ترانسنسیتی از حمایت مادی و معنوی خانواده‌های خود نیز بی‌بهره هستند.

سوال این است باوجود قوانین مدنی که در ایران برای حمایت از افراد ترانسنسیتی وجود دارد «ماده ۹۳۹ قانون حمایت از خانواده» (مصوب سال ۱۳۹۱ ایا ما در جامعه مرد سالار ایران شاهد حمایت و پشتیبانی از این قشر آسیب پذیر جامعه هستیم.

ایا میتوانیم به آینده این قشر آسیب پذیر جامعه امیدوار باشیم. ایا سیاستها و تفکرات کهنه و پوسیده حاکمان بر جامعه اجازه رشد و پرورش این فرشتگان زمینی را خواهند داد. تنها با مطالعه و آگاهی بخشیدن به جامعه میتوان دل خوش به آینده و نسل بعدی این قشر معصوم و بی پناه بود. به امید روزهای روشن و دور از خرافات و دین زدگی در سرزمین مادریمان. (انسانیتم اروزست)

مروری به تاریخچه تبعیض جنسیتی در ایران

معصومه توکلی

فعال حقوق بشر در کمیته ی دفاع از حقوق زنان



نخستین بارقه های آگاهی زنان ایران از فرودستی خویش در انقلاب مشروطه اتفاق افتاد. در زمانی که حوزه ی زندگی زنان به خانواده محدود می شد و فاقد نقش و هویت و فعالیت اجتماعی بودند. نقشهایی که در طی قرون و اعصار به زنان داده شده بود و به

مستقل و غیر دولتی بودند و برای برون رفت زنان از آن وضعیت نامطلوب تلاش می کردند. تلاش های زنان برای احقاق حقوقشان ادامه داشت تا آنکه در دوره پهلوی اول، رضا شاه که سودای مدرن کردن ایران را در سر می پروراند، تلاش های مستقل زنان را برای دستیابی به حقوق برابر بتدریج متوقف کرد و تغییر زندگی زنان را به شکل دولتی و اجباری در پیش گرفت. انجمن های زنان منحل شدند و سازمان های دولتی زنان جای آنها را گرفتند. کشف حجاب اجباری، در شکلی زورگویانه و جابرانه به زنان تحمیل شد. (هر چند پیش از کشف حجاب رضاخانی تعدادی از روشنفکران مرد و زن خواستار رفع حجاب شده بودند و بعضی از پیشروان و فعالان حقوق زنان و نیز زنان تحصیل کرده و مرفه حجاب را به دور انداخته بودند.)

همچنین مدارس به شکل جدید تاسیس شد و تحصیل دختران هم مثل پسران در نظام آموزشی جدید معمول گردید. الیز ساناساریان درباره تغییرات حکومتی در وضعیت زنان می نویسد: هر چند رضا شاه به تغییر وضعیت زنان علاقمند بود اما تمایلی نداشت که میدان عمل را برای فعالیت های مستقلی که سبب گسترش آرمان زنان می شد باز

آن خو گرفته بودند، همان نقش های رایج سنتی در چهار دیواری خانه پدری و پس از آن در خانه شوهر بود، بدون آنکه اثری از آنان در حیات اجتماعی کشور وجود داشته باشد. در آن زمان چیزی بنام حق برای زنان معنی نداشت، زن وسیله ای بود که جزما یملک و متعلقه مرد محسوب میشد.

در آن سالها بود که روشنفکران و دگراندیشان ایرانی، همزمان با پی بردن به عقب ماندگی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی ایران؛ وضعیت زنان و محرومیت های آنها را یکی از علل این عقب ماندگی دانستند، افرادی مثل میرزا آقاخان کرمانی، وضعیت زنان را مورد بررسی قرار داده و خواهان تغییر شرایط زندگی و موقعیت زن ایرانی شدند.

در واقع بیداری زنان با انقلاب مشروطه همزمان شد و گروه اندکی از زنان با دفاع از دستاوردهای انقلاب مشروطه، اولین فعالیت های اجتماعی خود را تجربه کردند.

فعالان حقوق زنان از آنجا که ناآگاهی و بیسوادی زنان را عامل مهم عقب ماندگی و محرومیت زنان می دانستند به تاسیس مدارس دخترانه همت گماردند. اقدامات مهم دیگر؛ انتشار نشریه های زنان و تاسیس انجمن های زنان بود. انجمن های زنان

بگذارد. فعالیت دولتی تنها راه مجاز برای دستیابی به تغییراتی بود که رضا شاه برای ایران مناسب می دانست. جمعیت نسوان وطنخواه در ۱۳۱۲ به دلایل ناشناخته ای بر چیده شد. با گذشت زمان و تداوم سلطنت رضا شاه کنترل های دولتی فراگیرتر می شد.

و اما در دوره پهلوی دوم در دوره محمد رضا شاه پهلوی نیز کنترل حکومت بر مساله حقوق زنان ادامه یافت؛ تجدید حیات محدود گروه های زنان در دهه ی ۱۳۳۰ با تمرکز تدریجی فعالیت های آنان در دهه ی ۱۳۳۰ دنبال شد. این تمرکز و همگرایی متعاقب آن توسط گروه های زنان به اجرا در نیامد، بلکه قدرت سیاسی حاکم این کار را به منظور کنترل فعالیت های مستقل زنان انجام داد.

از سال ۱۳۱۲ (انحلال جمعیت نسوان وطنخواه) به بعد هیچ جنبش واقعی برای کسب حقوق زنان وجود نداشت. طی حاکمیت محمد رضا شاه، مساله حقوق زنان هیچگاه از بستر جنبشی اجتماعی سر بر نیاورد.

لازم است اشاره کنم که: نخبگان سیاسی و دولتمردان (مانند بسیاری از کشورهای جهان سوم) تمامی جنبش ها را بدون توجه به انگیزه آنها، صرفاً خطری علیه حکومت قلمداد می کردند و عملاً اجازه هیچ نوع فعالیت مستقل از نظارت دولت داده نمی شد. با این حال وضعیت زنان مورد توجه حکومت قرار داشت و اقداماتی در جهت مشارکت سیاسی و اصلاحات قانونی و نیز اقداماتی در جهت تسهیل سواد آموزی و تحصیل زنان در سطوح عالی انجام شد. در این دوره مهمترین اقدام در جهت مشارکت سیاسی زنان، اعطای حق رای به آنان و نیز حق انتخاب شدن و راه یافتن زنان به مجلس و کابینه بود.

هر چند تعداد زنان در مقامات سیاسی مهم اندک بود اما به تدریج رو به افزایش نهاده بود. این زنان همانند هم‌تایان مرد طرفدار حاکمیت، تحت الزامات و محدودیت های موجود کار می کردند. باید گفت فعالیت های سیاسی زنان محدود به مشارکت سیاسی تحت کنترل حاکمیت نبود و در نبود تشکیلات و احزاب قانونی مستقل، زنان مخالف حاکمیت، جذب احزاب سیاسی مخالف شدند. بسیاری از این زنان تحت تعقیب و زندان و شکنجه قرار گرفتند.

در دوره پهلوی دوم همچنین اصلاحات قانونی در مورد قوانین مربوط به زنان صورت گرفت که از جمله می توان به تصویب قانون حمایت از خانواده اشاره کرد. در این قانون که ابتدا در سال ۱۳۴۶

و سپس با تغییراتی در سال ۱۳۵۴ تصویب شد، برخی از قوانین که بر مبنای فقه اسلامی تدوین و اجرا شده بودند مورد بازنگری و اصلاح قرار گرفتند، این اصلاحات هر چند جزئی بودند و تساوی حقوق زن و مرد را تأمین نمی کردند اما گشایش اندکی در حقوق زنان ایجاد می نمودند، از جمله این قوانین محدود کردن مردان در تعدد زوجات و موانعی برای این حق فقهی که به مردان داده شده بود، ایجاد می کرد. افزایش سن قانونی ازدواج به ۱۵ سال در سال ۱۳۴۶ و پس از آن در سال ۱۳۵۴ به ۱۸ سال از دیگر قوانین اصلاح شده به نفع زنان بود.

تسهیل آموزش دختران و راهیابی آنها به دانشگاه ها و اعزام دانشجویان دختر به خارج از کشور را می توان از دیگر اقدامات پهلوی دوم در حوزه حقوق زنان دانست در دو دهه ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ تعداد دانش آموزان دختر در مدارس ابتدایی و متوسطه و در آموزش عالی افزایش پیدا کرد. زنان در سال ۱۳۴۶ در امر کار دارای حق قانونی شدند. زنان ۱۰۰٪ مشاغل مربی کودکانستان ها، ۵۴٪ آموزگاری دبستان ها و ۳۰٪ دبیری دبیرستان ها را به خود اختصاص دادند. در این دوران بر تعداد زنان در نیروی کار افزوده شد. در سال ۱۳۵۱، ۴ میلیون زن رسماً در ایران کار می کردند.

با وجود اقدامات حقوقی و اجتماعی که به نفع زنان انجام شد اما وضعیت زنان همچنان نامطلوب و فرودستی آنان به قوت خود باقی بود. الیز سانساریان در این باره می نویسد: در پایان حاکمیت پهلوی، با وجود دستاورد های حقوقی و تا حدودی اجتماعی، اکثر زنان در روستاها و حاشیه شهر ها هنوز در فقر و تنگناهای بسیار زندگی می کردند، آنان از بارداری های زیاده از حد، ازدواج های زود هنگام بدون کنترل و مانع، تحمل ضرب و شتم در نبود هیچگونه حمایت قانونی و آزار و اذیت و تجاوزهای بسیار دیگر رنج می بردند. در مراکز شهری گر چه همه چیز به نظر مدرن شده جلوه می کرد، اما فقط این ظاهر قضیه بود. ناسازگاری بین غربی شدن و آداب و رسوم اخلاقی غیر منعطف اسلام، جامعه ای بوجود آورده بود که در آن زن، فردی بیگانه، جایگاهش غیر واقعی و انتزاعی و بالاخره تصویرش عاری از هر ویژگی ملی بود.

این خلاصه ای از وضعیت زنان در پیش از انقلاب بود، پس از انقلاب اسلامی وضعیت زنان دچار تغییرات عمیق و گسترده‌ای شد که همه ابعاد زندگی زنان را در بر می گرفت، هم در حوزه مسائل خصوصی و هم در حوزه مسائل

#### اجتماعی

قوانین شرعی دوباره احیاء شدند. پوشش زنان تحت کنترل حکومت قرار گرفت. زنان از برخی فعالیتها منع شدند و محدودیت هایی برای کار و آموزش زنان ایجاد شد، جدا سازی جنسیتی برای حفظ ظاهر اسلامی جامعه ضروری تشخیص داده شد.

قوانین از مهمترین پیامدهای انقلاب اسلامی برای زنان بود. احیاء قوانین اسلامی و بازگشت به قوانینی بود که زن را نه به عنوان یک شهروند آزاد و مستقل بلکه از دیدگاه جنسیتی می نگریست و نقش او را به عملکرد فیزیولوژیک اش یعنی وظیفه مادری و همسری تقلیل می داد. زن در قانون اساسی جمهوری اسلامی، ابزاری برای پرورش انسان های مکتبی شناخته می شود و فاقد شخصیت مستقل و آزاد است. با این تعریف زن عملاً از حیات اجتماعی دور نگه داشته شده و به پستی تنگ خانواده رانده می شود.

قوانین بعد از انقلاب نابرابری و تبعیض جنسیتی را به همراه داشتند و به ویژه قوانین خانواده، فرودستی زنان را بیش از پیش تشدید می کرد. قانون و سیاست جدید زنان را از بسیاری از حقوقی که در عصر پهلوی به آنها اعطا شده بود محروم کرد. قانون حمایت خانواده ملغی شد و شرعیات دوباره مبنای قانون مدنی جدید شد. تعدد زوجات و ازدواج نوجوانان (از سن ۹ سالگی) قانونی شد. بانخستین قانون اسلامی حریم خصوصی زنان به صورت قانونی به زیر تسلط مردان در آمد. قوانین مربوط به طلاق، چند همسری، حق حضانت فرزندان، حق انتخاب حرفه و شغل، حق انتخاب محل سکونت و تعیین اقامتگاه، خروج از کشور، روابط جنسی در رابطه زناشویی، قوانین مربوط به تابعیت، قانون قصاص، قوانین مربوط به سهم الارث، قانون مربوط به تعیین سن مسئولیت کیفری (سن بلوغ) از جمله قوانین نابرابری هستند که تبعیض علیه زنان را در کشور نهادینه کردند.

با عنایت به اینکه اعلامیه جهانی حقوق بشر اصل قابل قبول نبودن تبعیض را تأیید نموده، اعلام می دارد که کلیه افراد بشر آزاد به دنیا آمده و از نظر منزلت و حقوق یکسان بوده و بدون هیچگونه تمایزی از جمله تمایزات مبتنی بر جنسیت، حق دارند از کلیه حقوق و آزادی های مندرج در این اعلامیه بهره مند شوند.

جمهوری اسلامی از امضاء کردن کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان نیز خودداری می کند. این کنوانسیون مهمترین معاهده ملل متحد در مورد تبعیض جنسیتی است و تبعیض جنسیتی را اینگونه تعریف می کند: قائل شدن به هر گونه تمایز، استثناء یا محدودیت بر مبنای جنسیت در زمینه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، مدنی و یا هر زمینه دیگر.

از دیدگاه من، این نگاه تبعیضی و جنس دومی به زنان، پیامدهای وحشتناکی در زندگی خصوصی و اجتماعی زنان و مردان و فرزندان این سرزمین داشته مثل اعتیاد، فسادوفحشا، خشونت خانگی، خودکشی و ده ها مورد مشابه دیگر... /



ایست.....

برای شما مردان سال ۵۷ نامه ای دارم!  
شهرنوش معظمی کودرزی

در دی ماه ۱۳۵۷ مردم، نه بهتر است که بگویم مردان خشمگین با مواد آتش زا که از قبل آماده کرده بودند به محاصره شهر نو و یا قلعه قجرها، "قلعه زاهدی" قلعه خاموشان، "محلہ جمشید"، "گمرک" و یا زنان محلہ غم در آمدند. و شهر نو را به آتش کشیدند.

آن شهر با دروازه آهنی که در زمان رضا شاه برای کنترل زنان تن فروش ساخته شده بود، آن شهر با مغازه های کوچک و کثیف، جوی های پرلجن، پاسگاه قلعه، دود بوهای تن های متعفن، پیرزن های خمار که در گوشه های از حیاط افتاده بودند، پیرمرد ویلون زن که چشمایش به ساز بودند، نه آن ساز شکسته اش، سگ های گرسنه شل افتاده در گوشه حیاط های نیمه ویران، صداها، و فحش های جنسیتی، چهره های خسته زیر بزک تند گله به گله، گله های از خانم های بزک کرده با چشمانی دریده از درد نشسته بر جلو درهای چهارطاق ها، دود و چشم های خمار از تریاک، تند رنگ ماتیک لبها، جگر روی آتش: جلز و ولز، فریاد خانم رییس ها، گریه، و شهر اتاق ها و هر اتاق معیادگاه خرید و فروش سکس با تخت های نیمه شکسته با هزاران جیر و جیر و هن هن مردهای صد چهره، صد لهجه و تشکی. و کف اتاق متناسب با جوانی، زیبایی و درآمد زن ها و جیب مشتری ها، قالبچه یا گلیمی، و هن هن مردها، شهر دیوار اتاق های پر امید با عکس های لات های مهربان فیلم ها، بهروز و ملک مطیعی و عکس زن های فیلم ها فروزان ها و مهوش ها، هن هن و یک رویای دور افتاده از روزگار زن ها!

هن هن و زن به سقف می نگرند و رویایش را دنبال می کند و گاه به اجبار و فشار و کتک و به انتظار اسکناسی به تظاهر لذت به عشوہ میاید.

هن هن مردها!

و شهر قلعه زنان فقیر به آتش کشیده شد. اصولا می توان گفت که زنان تن فروش در زمان پهلوی به چند دسته بودند. زنان خیابانی که غالبا در اتومبیل ها، وانت، کامیون ها، قهوه خانه عمل سکس با مردان را انجام می دادند.

زنان خانه امن

زنانی که در خانه های خود به تن فروشی بودند و دو گروه را تشکیل می دادند.

تجمع تن فروشان، قاچاقچیان، معتادان شد ه بود و با این وجود در اطراف آن ده ها کافه و سینما و کباباره و تماشاخانه از جمله کباباره شکوفه نو وجود داشته است. یعنی شهر به کسب و شهر نجیب خانه تقسیم شده بود. شهر نو، قلعه، زندانی با یک نگهبان دم در و پاسگاه بود که زنان تحت فشار شرایط برای گذراندن یک حبس ابد به آنجا وارد می شدند، دختران که به اجبار به آنجا روی می آوردند، فریب، دختران فراری از دهات و شهر های کوچک دور افتاده به دام شهر نو می افتادند. و در منجلاب کثافت ترین لحظه های زندگی یک انسان، آزار جنسی، آزار روحی، اعتیاد و خشونت از همه جا و از همه چیز غرق می شدند. دیگر پس از مدتی خود را انسان نمی دیدند. ساکنان جهنمی در جهنم های دیگر بودند. حتی زبان یک گفتگو ساده و عادی را از یاد می برند. زبان، به زبان تند، پرخاشگو، با کلمات زننده مبدل می شد. اما در وجود همه این زن های تن فروش دو احساس مشترک در موج بود، نیازی بی نهایت در بودن یک لحظه در عشق و آرامش و نفرتی که از مردان می گرفتند، نفرت از خود بیداری .... با این حال برای معشوق خود را حفظ می کردند و به مردان خریدار سکس اجازه بوسیدن و دستمالی سینه ها را نمی دادند.

هن هن مردان حریص

و جمعیت به درون بعضی از خانه های قلعه ریخت، شعله بیرحم آتش خانه ها و زنان را در بر گرفت. زنی در شعله ها از زجر و درد به فریاد بر روی زمین می چرخید و آن پسران و مردان بدور او حلقه زده بودند. راستی به کجا بودند آن مردان و زنان کمونیست و مجاهد؟ در کارخانه ها در بحث خدمت به خلق بودند؟

و پس از مدتی طبق گزارش روزنامه کیهان چهار متهم از جمله، اشرف چهار چشم، سمین بی ام، سکینه قاسمی (پری بلنده) در ساعت یک بامداد ۲۱ تیر ۱۳۵۸ اعدام شده اند. و شاید بسیاری دیگر از آن ۱۵۰۰ زن تن فروش نیز در جلوی جوخه اعدام ایستادند، به گناه ناهنجاریهای اجتماع، به گناه بیسوادی و تنهایی، به گناه اینکه هیچ کس از آنها سخنی نگفت و سرنوشت آن باقی مانده از ۱۵۰۰ نفر زن را دنبال نکرد. زیرا که اصلا مهم نبود.

جنبش کمونیستی با احساس رمانتیسیم انقلابی فکر میکرد که طبقه کارگر یگانه نیروی اصلی انقلاب است و وقتی و فرصتی برای بررسی این محرومترین قشر از جامعه را ندارد، آن گروه محروم از زنان تن فروشی که به خاطر کارکرد نظام سرمایه

زنانی با امکانات مالی و اجتماعی بالا که با مردان پولدار و سیاستمداران رفت و آمد داشتند و بیشتر نقش ترتیب دهنده بزم ها با دختران جوان برای اینگونه مردان را داشتند. زن های کنار و افورها بودند. محفل خلوت برای مردانی که در حضور همسران خود نقاب را حفظ میکردند و در آنجا و با لن زن ها خود بودند و با تمامی هرزگی و شهوترانی، خود بودند با شخصیتی که همیشه زیر حفظ آبرو پنهان می ماند.

گروه دیگر زنانی بودند که در شهرستان های کوچک با تن فروشی درآمدی کسب میکردند. در محیط کوچک شهرستان و ارتباط نزدیک خانواده ها با یکدیگر خیلی زود بر چهره این زنان مهر بدنمی زده می شد. بیشتر این زن ها بسیار مهربان و آرام بودند و کمتر برای دیگران مزاحمت ایجاد می کردند. مردان شهر آنها را گوشت خطاب می کردند. این زنها هیچگونه ارتباط جمعی با دیگر خانواده ها نداشتند و در مراسم ها هرگز شرکت نمی کردند. مردم، حتی مردانی که با آنها ارتباط جنسی داشتند در روشنایی روز بشدت از نگاه کردن به این زن پرهیز داشتند. این زنان در آن محیط بسته و در خفقان تعصب و سنت ها در همه جا مورد مزاحمت قرار می



گرفتند، از بچه های محلہ تا مغازه داران در موقع خرید. در هیچ جا برای آنها یک صندلی خالی وجود نداشت، تنهایی و نفرت مردم عادی مجال نفس کشیدن را به این زنان نمی داد. از همه جا طرد بودند! او فقط گوشت خوشمزه ایی برای گاز زدن در خلوت و انزوا بود.

اما اسفناک ترین وضعیت را زنان شهر نو، قلعه، جمشید را داشتند

هن هن

و شهرنو، شهر دود، شهر بی اعتمادی، نفرت، زور، مرگ ارزو ها، امید مرکز

- داری شاه به آن راه کشیده شده بودند . کمونیست ها و مجاهدین در یک اندیشه گم بودند که باید در محور روشنفکران و دانشگاهیان چرخید و آن زنان ، و آن تن فروشان ، بیسوادان ، با آن چهره های زشت و بد زبان نیروی انقلابی برای انقلاب سوسیالیستی را ندارند . کمونیست های زن و مرد هرگز در کنار این زنان و یا حتی زنان قاچاقچی قرار نگرفته اند .  
و تو ای مرد ۵۷ آیا فکر می کنی که با سوزاندن آن زنان و اعدام پری بلند ها این درد اجتماعی تن فروشی علاج شد و یا اینکه در بدترین نوع و با نام کثیف صیغه بشدت در جامعه رشد گسترش یافت ، تا جایی که سن تن فروشان را به ۱۳ سال رساند .  
اری حال تمام جامعه بک قلعه است مردان سال ۵۷ /

**هیچکس روسپی ..... ادامه ی صفحه ی 6**

اهل افغانستان چنین حرکتی را انجام داده است؟ زنان منطقه یی که سالهاست ماهیت و حقوق انسانی خود را به خاطر جو حاکم بر آنها فراموش کرده اند.  
وی اشاره به نشر یک سری اخبار ناموثق و اشتباه کرد و گفت: من هیچگاه در گفتگو هایم با رسانه ها نه در مورد ملیت و نه دین مشخصی حرف زدم اما یک تعداد از منابع گفته هایم را دقیق متوجه نشده و مطالب اشتباهی را به دست نشر رسانده اند.

**سحر:** برخورد احزاب سویدن به خصوص حزب زنان در مقابل این پدیده چی بود؟

**سپوژمی:** تاکنون کدام واکنش خاصی از احزاب در این زمینه ندیده ام شاید هم دلیلش اینگونه است: زمانی که ما کارزار را آغاز کردیم اکثرا همه درگیر مراسم و تعطیلات سال نو بودند. به نظر من باید برای معرفی هر چه بیشتر کارزارمان تلاش های بیشتری شود. وی افزود: قرار است در تاریخ ۲۴ ماه جنوری (ژانویه) یک جلسه بگیریم و از تمام احزاب و رسانه های داخلی و خارجی دعوت به اشتراک می کنیم و ما در این جلسه دلیل ایجاد چنین کارزاری و دلیل اینکه چرا ما تلاش می کنیم تا احزاب به این پدیده توجه کنند را برایشان ارایه میکنیم. تمام تلاشمان را میکنیم تا یک راه قانونی برای منع کردن این واژه را بدست بی آوریم، من خیلی امیدوارم که در این راستا احزاب به خصوص حزب زنان ما را همراهی کنند

**سحر:** امروزه اکثر انسان ها ارتباط شدیدی با دنیای مجازی دارند آیا برگزاری این کارزار و نشر پست ها در این زمینه توجه کاربران شبکه های اجتماعی به خصوص فیسبوک را به خود جلب کرده است و حامیان شما در این زمینه چه کسانی هستند؟

**سپوژمی:** بیشترین حمایت از طریق تهیه ی عکس با هشتگ هیچکس روسپی نیست و باز نشر عکس های مربوط به این کمپین و مطالب نه تنها در فیسبوک، بلکه حتی در توئیتر و دیگر شبکه های اجتماعی از سوی مردم سویدن شد. اما قسمی که اول مصاحبه یادآور شدم مردم افغانستان حمایت از کمپینی که در آن از الفاظ رکیک استفاده شده باشد اجتناب می کنند.

**سحر:** آیا شما کدام آدرس مشخص اینترنتی

دارید که علاقمندان بتوانند این کارزار را دنبال کنند؟

**سپوژمی:** بله ما تمام مطالب و عکس های مربوط به این موضوع را در پیج سازمان زنان افغان به نشر می رسانیم به زودی هم کارهای بزرگی در زمینه ی ایجاد ارتباط بهتر و راحت تر در دنیای مجازی در اینباره انجام میدهم.

**سپوژمی:** واقعا سوال مهمی کردید با تاسف و تأثر آمار سالیانه یی که در گزارش از سوی حقوق بشر در افغانستان منتشر می شود بیانگر میزان بالای خشونت های فیزیکی ست حالا شما در نظر بگیرید که اگر قرار باشد آمار خشونت های کلامی از سوی نهاد ها ارایه شود بی شک نمودار خشونت علیه زنان در افغانستان به صورت فجیحی بالا می رود. در نتیجه این زنان نیاز به حمایت بیشتری دارند. انتشار خبر این کارزار از سوی منبع خبری بی بی سی خود یک تلنگر برای ایجاد ایده در زنان فعال است.

باید ما از این سوی آنها با برگزار کردن چنین کارزارهایی تابو شکنی کرده و به بانوان فعالی که در راستای فعالیت های مدنی قدم بر میدارند روحیه و آنها را تشویق و حمایت کرد تا آنها نیز با برگزاری کمپین ها امنیت اجتماعی خود را از دولتمردان و مسولین مطالبه کنند. من در این زمینه از خانم هایی که در این سوی آنها با فعالین زن در افغانستان تماس مستقیم دارند خواهش و دعوت به همکاری و یاری می کنم.

دارید که علاقمندان بتوانند این کارزار را دنبال کنند؟

**سپوژمی:** بله ما تمام مطالب و عکس های مربوط به این موضوع را در پیج سازمان زنان افغان به نشر می رسانیم به زودی هم کارهای بزرگی در زمینه ی ایجاد ارتباط بهتر و راحت تر در دنیای مجازی در اینباره انجام میدهم.



**سحر:** برنامه ی شما برای پیشبرد این کارزار چیست؟

**سپوژمی:** پلانم این است که طرحی را برای سخنرانی در مدارس تنظیم کرده و شاگردان دختر نوجوان از کلاس های هفتم و هشتم که سن بسیار حساسی برای روحیه ی دختران

**نام نقاشی حراج کاری از | مریم رضانی گیوی**



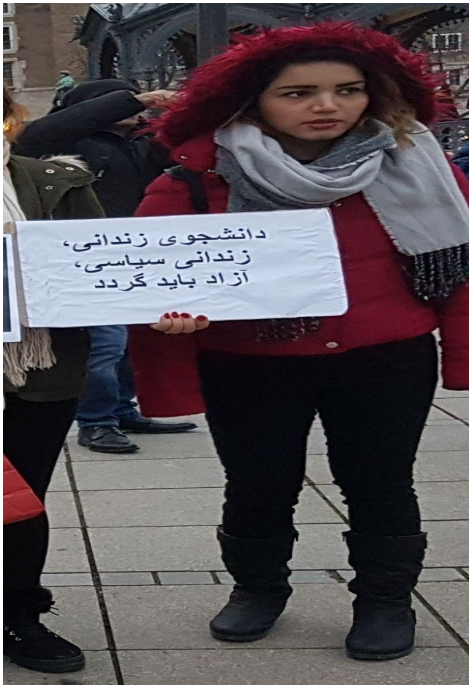
مبارزات زنان و 8 مارس دیگر

مریم رمضانی گیوی

مبارزات زنان در ماهها و روزهای اخیر در ایران علیه حجاب اجباری در ادامه مبارزات حق طلبانه چهل ساله مردم ستمدیده ایران علیه نظام خون آشام اخوندی می‌رود که سرنوشت مردم ایران را عوض کند. دختران انقلاب که نامی است بر زنان جوانی که در ماههای گذشته در مقابل دیده گان همه بدون حجاب، روسری هایشان را به نشانه اعتراض به اهتزاز در آوردند و حیرت جهانیان را برانگیختند. بار دیگر سرها به طرف ایران و زنان شجاعش برگشت. و ورق های تاریخی رقم خورد که لبریز است از مقاومت چندین دهه ی زنان و مردان آزادیخواه علیه ستم و بی حقوقی زنان که قوانین اسلامی همواره به ان مشروعیت داده است. در مملکتی که بی حجابی جرم است این زنان دلیر و قهرمان بخوبی آگاهند که چه خطری را به جان می‌خرند. گرچه آنان اکنون در زندانهای جمهوری اسلامی با آزار و اذیت روبرو هستند اما توانسته اند تمام پایه های نظام اسلامی را بلرزانند تا جاییکه سران حکومت اسلامی با کمال شرم این اعتراضات آزادیخواهانه را به دشمنان

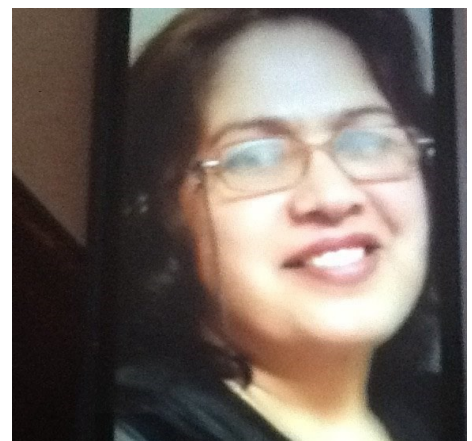
خارجی نسبت میدهد. خبرهای داخلی و خارجی اخیر در سطح میدیا و مطبوعات نشان میدهد که کابوسی هولناک تمامی جسد گنبدیده جمهوری اسلامی را گرفته و آن سرنگونی این نظام فاسد است. این بار فقط اعتراض دانشجویان و کارگران و روشنفکران برای حق آزادی بیان و حق تشکل برای اصناف مختلف جامعه ایران نیست که به میدان آمده است. این بار صدای حق طلبانه نیمی از جمعیت جامعه ایران است که جمهوری اسلامی حیاتش را بر کرده نادیده گرفتن حق آنان ادامه داده است. آری این صدای زنان جامعه ایران است که بی هیچ اما و اگر حقوق از دست رفته شان را می خواهند و به نظام اخوندی با شجاعت تمام و به قیمت جانشان نه میگویند.

زنده باد مبارزه حق طلبانه زنان ایران  
سرنگون باد حکومت زن ستیز ایران



بنظر من هشت مارس امسال با هر سال دیگری فرق دارد. جان زنان و دختران جوان دیگر از این همه بی حقوقی به تنگ آمده و با نه گفتن به حجاب اجباری میخواهند به زندگی اختاپوس مذهب که بر جان و روحشان سالهاست چنگ انداخته پایان دهند. برسمیت شناختن آزادی پوشش برای زنان اولین و حیاتی ترین قدم در برسمیت شناختن تمامی حقوق انسانی زنان است. زنان با

اوج نا امنی ها و بیجاه شده گان داخلی  
و خارجی در افغانستان  
ماریا یوسفزی



ماریا یوسفزی شهروند کشور افغانستان مقیم سویدن هستم نوشته من در ارتباط اوج جنگ ها در کشور ما افغانستان! طی ۴ و ۵ دهه در افغانستان جنگ خانمانسوز جریان دارد که دست های بیگانه وربر قدرت های جهان برای منافع خود کشور های فقیر را اله دست خود ساخته از ان نفع میبرند و مردم تحت ستم در یک تکنای جنگ اقتصادی و فرهنگی - تعصبات

مذهبی - تبعیضات تنظیمی قرار دارند و نا آگاهانه دنباله رو باند ها مافیای و تنظیمی در حرکت هستند اما افسوس و صد افسوس همین جنگ ها و فقر و بیکاری باعث شده که بیشترین اواره ترین مردمان ما افغان های بی پناه در تمام جهان هستیم که سال ۲۰۱۷ بیشترین بیجاه شدهگان داخلی در افغانستان در سال ۲۰۱۷ بیش از ۴۴۸ هزار نفر از منطق مسکونی شان بیجاه شده اند.

بیشترین رقم بیجا شدگان با تعداد ۱۲۳ هزار و ۵۳۸ نفر در ولایت ننگرهار در شرق کشور بوده است.

بر اساس این گزارش ولایت قندوز در شمال کشور با رقم ۳۹ هزار و ۵۵۰ خانواده در ردیف دوم و ولایت بادغیس در غرب کشور با رقم ۲۶ هزار و ۶۵۹ خانواده در ردیف سوم قرار دارد. در گزارش گفته شده که بر اساس این ارقام، به صورت اوسط روزانه بیش از یک هزار و ۲۰۰ نفر در کشور مجبور به ترک منازل شان شده اند. در همین حال، اوچا در این گزارش همچنان تعداد برگشت کنندگان مهاجران افغان از ایران و پاکستان را نیز به نشر رسانیده است.

که بر اساس آمار سازمان بین المللی مهاجرت، تعداد ۴۶۲ هزار و ۳۱۶ تن مهاجر از این دو کشور به افغانستان برگشته

اند. اوچا گفته که از این مجموع، ۹۸ هزار و ۱۹۱ تن از ایران و متباقی از پاکستان برگشاند شده اند.

از سوی، در گزارش این دفتر به نقل از آمار کمیشنری عالی سازمان ملل در امور مهاجرین همچنان آمده است که نزدیک به ۵۹ هزار مهاجر دیگر که دارای مدرک مهاجرت بوده است، از کشورهای گوناگونی به افغانستان

به گونه داوطلبانه عودت کرده اند

مردم اواره بی پناه افغان حتی در کشور های غرب و کشور های مدرن و پیشرفته حقوق شان نظربه پناهجویان دیگر کشور بدرجه دوم وسوم قرار دارند. دلیل اش این که چرا پناهجو یان افغان از کشوری هستند که دولتمتدان ان قرارداد و توافقنامه را امضا کرده که ! دربدل برگشتاندن پناهجویان راهکار های دیگری را موافقه کرده اند. متأسفانه پناهجویان سال ها در بی سرنوشتی بسر میبرند نه درکشور خود امنیت دارند و نه در کشورهای دیگر که با بسیار مشقت راه های سوق اعبور را طی کرده ارامش دارند اما ناکام و بدور از اسایش و زندگی امن که حق شان است نمیتواند داشته باشند.

**برگزاری ۸ مارس در کنار زنان مهاجر در یونان**  
**گفتگوی سحر صامت با فرشته نوری**  
**ژورنالیست و فعال حقوق زنان**



کم کم به ۸ مارس روز جهانی زنان نزدیک می شویم، روزی که میلیون ها زن و مرد مدافع حقوق زنان در گردهمایی هایی که به مناسبت این روز و به اعتراض از وضعیت اجتماعی و یا اقتصادی زنان در سراسر دنیا اشتراک می کنند، تا صدای این اعتراضات را به گوش مسوولین رسانده و مطالبات خود را با آنان در میان بگذارند. اما در این میان یک تعداد از زنانی که برای نجات جان خود و فامیلشان از جنگ به راه های پر خوف و خطر برای رسیدن به محیطی امن رو آورده و در کشورهایی مانند یونان پشت مرزهای بسته قرار گرفته اند، از دید جهانیان دور مانده و فرصت برگزاری این روز مهم و مطالبات اجتماعی و انسانی خود را ندارند. قرار است برای اولین بار یک تیم ۸ نفره از افغانستانی ها که در این سوی ایها زندگی می کنند، به آتن پایتخت یونان سفر و این روز جهانی را برای دختران و زنانی که مشقت زندگی در این سرزمین خسته و رنجورشان کرده برگزار کنند.

گفتگویی داشتیم با فرشته نوری، دانشجوی رشته ی ژورنالیسم و همچنان فعل حقوق زنان و کودکان، یک تن از رهبران این تیم. از وی خواستم تا راجع به این سفر و برنامه هایشان توضیحی ارائه کنند.

فرشته نوری: در نخست من و ۵ تن از بانوان فعال تصمیم داشتیم تا برنامه های متفاوتی را برای برگزاری از این روز در چند کشور اروپایی برای زنان و کودکان داشته باشیم در حین پلان ریزی به ذهنمان خطور کرد چرا ما همین برنامه ها را برای زنان و کودکان افغانستانی که در کشور یونان در حالت بسیار بد اقتصادی و روحی بسر می برند

و خسته از حوادث روزگارند برگزار نکنیم؟ خوشبختانه توانستیم با وجود مشکلات زیادی

از قبیل هزینه های هنگفت و یا عدم حمایت مالی از سوی حامیان و یا تاجر برای سفر به یونان و اجرای پلان به هر نحوی که شده این سفر را فراهم کنیم، زیرا تیم ما متشکل از بانوان دانشجو است و از نظر مالی با چالشهایی روبرو هستیم. فعالیت های ما در راستای حقوق زنان و کودکان همه به صورت رایگان است. صحبت هایی داشتیم با یک تعداد از دوستان که ما را از نظر مالی حمایت کنن،د اما با تاسف واکنش مثبتی از سوی آنها دریافت نکردیم. به هر صورت ما با مصرف شخصی خود به راهمان ادامه دادیم زیرا برای تیم ما اهداف مهم است.

سحر: فرشته جان این سفر چند روز است و چه برنامه هایی اجرا می شود؟

فرشته : سفر ما از تاریخ ۲ تا ۹ مارس است، تیم ۶ نفره ی ما با مدیریت من و بانو فوزیه عباسی، به همراه ۲ وکیل مجرب افغانستانی که در کشورهای هلند و آلمان زندگی می کنند و ما را در این سفر با ما هستند. نذیر خارا آوازخوان مشهور افغانستانی نیز ما را همراهی می کند. تاریخ ششم مارس کنسرتی با حضور نذیر خارا و گروه هنری اش به صورت عمومی برگزار می کنیم.

با دوستان و آشنایانی که در آتن داریم تماس گرفتیم و با کمک آنها یک سالن برای یک



روز به صورت رایگان در اختیار ما قرار داده می شود. هفتم ماه مارس به مناسبت روز زن، هر چند که خودم معتقدم که در تقویم سالانه نباید فقط یک روز را به زن اختصاص داد و از دیدگاه من این خود ایجاد تبعیض است، اما چون امروزه برگزاری این روز جهانی برای زنان مهم است ما هم خواستیم تا به همین بهانه، یکی از روزهای زندگی زنان پناهنده ی افغانستانی را در یونان که با سختی ها و دشواری هایی زیادی روبرو هستند را متفاوت تر سازیم. در همان تاریخ نخست مسابقه ی نقاشی را برای ۵۰ کودک افغانستانی در نظر گرفته ایم و از کودکان می خواهیم خاطراتی را که از دوران مهاجرت خود، از کمپ هایی که در آن زندگی می کنند و یا مسیری را که غیر

قانونی پیموده اند، هر آنچه که از نظر روحی برایشان آزار دهنده است را به تصویر بکشند. هدف ما از این کار ایجاد رشد روحیه ی کودکان است. نقاشی کودکان پس از ختم مسابقه جمع آوری شده و همان روز ساعت ۱۶:۰۰ در سالنی که برای اجرای برنامه های بانوان که تا سقف ۱۲۰ نفر در نظر گرفته شده به نمایش گذاشته می شود. در برنامه ی بانوان سخنرانی ۲ وکیل مجرب به نام های آقای کریم پوپل و همچنان آقای مسیح رسول را برای راهنمایی در مسایل پناهندگی و همچنان اطلاع رسانی قوانینی که از حقوق زنان دفاع می کند را داریم. تحقیقات ما نشان داد که زنان و دختران زیادی که در کشور یونان بسر می برند، تنها از موضوع مهاجرت و بی سرنوشتی پشت مرزهای این کشور رنجیده خاطر نیستند، بلکه تعداد زیادی از آنها و مشکلات خانوادگی روبرو شده اند و خوشبختانه وکلایی که ما را در این سفر راهنمایی می کنند، اطلاعات کافی و مفیدی را در مورد مشکلات خانوادگی مانند، اختلافات زن و شوهری یا درگیری با فرزندان و یا بالعکس با والدین و از قبیل این مسایل را می توانند به اشتراک کنندگان برنامه ی ما ارائه دهند.

در ادامه تیاتری که موضوع آن مهاجرت است و توسط یکی از بانوان نویسنده ی افغانستانی به نام خاطره سروری نوشته و کارگردانی شده به اجرا گذاشته می شود. همچنان یک سری از سرگرمی های دیگر توسط ما سازماندهی و خود اشتراک کنندگان اجرا می شود. در این روز از چند سازمان و ارگان نیز مانند سازمان یونسف، حفاظت از کودکان و سازمان های مربوط به مسایل پناهندگی دعوت به عمل آمده و مهمان های ویژه را با خود در برنامه ی زنان داریم . روز بعد هم یک نمایشگاه در یک سالن دیگر با تصاویری که کودکان کشیده اند به صورت عمومی برگزار می شود .

همچنان ما در این سفر به تحقیقات بیشتر وضعیت پناجویان به خصوص زنان و کودکان می پردازیم. با دختران و زنان مهاجر ملاقات داشته و اگر حاضر به گفتگو و ضبط آن باشند، با آنها مصاحبه هایی در مورد وضعیتشان در این کشور و خاطراتشان داشته باشیم. اگر هم اجازه به ضبط فیلم و یا صدا را ندادند، قصه هایشان را می نویسیم و به هر طریقی که شده کوشش میکنیم با عکاسی، مستند سازی و برگزاری نمایشگاه ها از آثار کودکان وضعیت اقتصادی، جسمی و روحی پناجویان را در کشورهای اروپایی بازتاب دهیم و کارکرد های خودمان را نیز در معرض دید بگذاریم. پلان داریم اگر در این سفر وقت یاری کند به جزیره های دور دست برویم و با پناجویانی که تازه یونان می شوند زیر خیمه ها زندگی می کنند و شرایطشان به مراتب بدتر از کسانی است که در آتن بسر می برند نیز ملاقات کنیم. وی می افزاید: امیدوارم با برگزاری نمایشگاه ها در کشورهای غربی بتوانیم توجه خیران را جلب کرده و کارهای مفید تری برای زنان و کودکان مهاجر پشت مرز های بسته انجام دهیم./

**پروین محمدی**  
**قدرت کارگران در اعتصاب و اتحاد است**



بارها از کارگران می‌شنوم تاکی باید با اعتصاب حقمان را بگیریم؟  
"خسته شدیم از اعتصاب"

من به عنوان یک انسان حق دارم با کارم رفاه و آسایش برای خود و خانواده ام تامین کنم اما در این سیستم اقتصادی من کارگر انسان

نیستم برده مدرن هستم برده ایی که فقط آزاد شده ام که کارفرمایم را خودم انتخاب کنم این آزادی را هم با جبر گرسنگی و معیشت به گرو گرفته توسط کارفرماها، ظاهری بهم داده اند به همین خاطر در انتخاب کارفرمایم نیز اختیاری ندارم هر کس مرا به کار گیرد برایش کار میکنم.

پس در این سیستم لفظ آزادی و اختیار حرف پوچ و چرتی است. برسیم به حق اعتصاب، کاری که تا عمر دارم و اسم کارگر است جزء جدا نشدنی از زندگی ام خواهد بود.

اعتصاب تنها ابزار قدرت ما کارگران است وگرنه سگ هار سرمایه هیچ مانعی برای ایستادن از چپاول نمی‌شناسد اگر فکر کنیم کارفرما انسان است و شعور دارد و میفهمد که ما کارگران هم انسانیم و با این همه کار و زحمت حق حیات داریم اشتباه کرده ایم چرا که کارفرما هم در این سیستم سرمایه انسان نیست و باید محافظ سرمایه اش باشد و دایم تلاش کند سرمایه اش را با سود بیشتر، زیاد کند.

اعتصاب تنها قدرت ما در مقابل قدرت کارفرمایان است آنان پول و پست و پلیس و دولت و قدرت دارند و ما کارگران در مقابل آنها اعتصاب را داریم.

قدرت اعتصاب ما میزان سهم ما از ثروت تولید شده را نشان خواهد داد

این ثروت دایم در حال تولید است و آنان سهمان را از زندگی به زیان خوش نخواهند داد چرا که سودشان بخطر می‌افتد. تنها زبان کارگر اعتصابش است هر چه قدرتمندتر و همبسته تر، سهم امان بیشتر برای زندگی این تنها فرمولی است که کارگر برای زندگی در این سیستم می‌شناسد و کارفرما هم از پول و پلیس و دولت و قدرتش استفاده میکند تا مقابل این قدرت کارگران (اعتصاب) همیشه بیاستد.

اما اتحاد و همبستگی کارگران تنها سلاحی است که هیچ قدرتی را یارای مقابله با آن نیست.

نماینده سابق کارگران صنایع فلزی ایران  
16 بهمن 96

<https://goo.gl/D4UpRf>

#پروین\_محمدی : قدرت کارگران در #اعتصاب و #اتحاد است



**«گوش کن!»** ترجمه ماریا عباسیان

شما که در خانه‌های گرم‌تان

زندگی امنی دارید.

شما که در بازگشت شبانه به خانه

غذای گرم و چهره‌های دوستانه در برابر خویش می‌یابید:

بنگرید! آیا او در چشمتان به مردی می‌ماند،

او که در گل‌ولای جان می‌کند،

که دمی روی آرامش نمی‌بیند،

برای کفی نان می‌جنگد،

می‌میرد. «نه» یا «آری» و برای یکی

بنگرید! آیا او در چشمتان به زنی می‌ماند،

بی‌مو و بی‌نام و بی‌نشان،

ناتوان از به یاد آوردن،

با چشمانی بی‌فروغ و شکمی سرد

چون غوکی در زمستان.

بیاندیشید به آن چه روی داد:

به شما چنین حکم می‌کنم!

این سخنان را حک کنید بر لوح قلبتان؛

در خانه‌اید یا که بیرون می‌روید

لمیده‌اید یا برخاسته:

برای فرزندان‌تان تکرار کنید.

یا خانه‌هاتان ویران باد

مصیبت، دامگیرتان

و فرزندان‌تان روی از شما بگرداند.

#پروین\_لوی

#قیام\_فروستان

## فراخوان برای تجمع هشت مارس در ایران



فراخوان تجمع ۸ مارس (روز جهانی زن) - ۱۳۹۶

کانالی در شبکه اجتماعی تلگرام، روز چهارشنبه ۹ اسفند (۲۸ فوریه) با نام "فراخوان تجمع ۸ مارس" آغاز به کار کرده است. بیانیه ی فراخوان تجمع در برابر وزارت کار در روز ۸ مارس در برخی از سایت های فعالان زنان داخل کشور منتشر شده است. در این بیانیه آمده است:

زنان و مردان خواستار رهایی، عدالت و برابری

۸ مارس نزدیک است، روزی که زنان در تمام جهان علیه نابرابری و برای دستیابی به شرایطی انسانی تر مبارزه می کنند. مبارزه ای که در طول سال ها گرچه ثمرات فراوانی داشته است، اما هنوز تا تحقق برابری راهی طولانی در پیش دارد.

سال های اخیر که نظام سرمایه بار بحران خود را بیش از پیش بر دوش زنان گذاشته است، شاهد سخت تر شدن زندگی زنان در سراسر جهان هستیم. صاحبان قدرت و ثروت با تشدید استثمار همجانبه زنان سعی در گذر از این بحران دارند، اما خواهران ما با قدرتی دو چندان در هر گوشه جهان به پا خاسته اند و در هر فرصتی فریاد اعتراض خود را سر داده اند.

زنان ایران نیز سال هاست در چنبره انواع تبعیض ها و نابرابری ها گرفتار آمده اند، قوانین نابرابر در ازدواج، طلاق، ارث و ... از زنان شهروندانی درجه دو ساخته است. در برابر خشونت خانوادگی و آزار خیابانی از هیچ حمایت قانونی ای برخوردار نیستند. هر بار به بهانه ای حق مالکیت بر بدن هایشان نادیده گرفته می شود؛ گاه با حجاب اجباری، گاه با ایجاد محدودیت و ممنوعیت در دسترسی رایگان به وسایل پیشگیری از بارداری و ...

به همه این تبعیض ها باید شرایط نابسامان اقتصادی را افزود. زنان آسیب های زیادی از سیاست های اقتصادی نئولیبرالیستی از جمله خصوصی سازی دیده اند. از جمله نتایج این سیاست ها حذف روزافزون زنان از بخش رسمی بازار کار و راندن آنان به سوی بخش غیررسمی بوده است. بیش از نیمی از زنان بدون قرارداد یا با قراردادهای موقت و دستمزدهای بسیار اندک مشغول به کارند و از حداقل حقوق قانونی محروم اند. بخش زیادی از این کارگران غیررسمی را مهاجران تشکیل می دهند که در مقابل روابط بهره کشانه کار آسیب پذیرترند. زنان شاغل در بخش رسمی نیز با عدم امنیت شغلی، نظارت های نفس گیر بر پوشش و رفتار خود، محدود کردن خدمات عمومی - نظیر مهدکودک پس از بارداری - و موانع سرسخت بر سر راه پیشرفت شغلی شان مواجهند. از سوی دیگر نرخ بیکاری زنان به دو برابر مردان رسیده است، موج بیکاری در میان زنان تحصیل کرده به مراتب بیشتر است و در موارد بسیاری شرایط جنسیت زده ای چون وضعیت تأهل، سن و ظاهر به شرایط گزینش شغلی اضافه می شود. گذشتن از این سد، پایان دشواری ها نیست، زنان پس از استخدام نیز با موانع دیگری چون عدم امنیت شغلی و آزارهای جنسی در محیط کار دست و پنجه نرم می کنند.

تاریخچه مبارزات زنان در ایران نشان می دهد آنها هرگز پذیرندگان خاموش نابرابری و بی عدالتی نبوده اند. زنان نه تنها به شکل انفرادی برای بهبود زندگی شخصی خود کوشیده اند بلکه از هر فرصتی برای سازماندهی و مبارزه جمعی بهره برده اند.

راه رهایی زنان از سلطه مردسالاری، سرمایه داری و انواع سلطه های دیگر بسیار طولانی است. از همین رو، ما جمعی از فعالان جنبش زنان در ایران بار دیگر با تأکید بر حق خود بر خیابان های شهر گرد هم می آیم و اعتراض خود را به نابرابری، بی عدالتی و شرایط نامساعد زنان به ویژه در بازار کار ایران فریاد می زنیم.

ما زنان و مردان برابری خواه از همه آنانی که برای دستیابی به جهانی عادلانه تر می کوشند، از تمامی کارگران، معلمان، پرستاران، مربیان پیش دبستانی، بازنشستگان، دانشجویان، زنان خانداندار و از همه فعالان جنبش های اجتماعی می خواهیم تا در روز پنجشنبه ۱۷ اسفند ۱۳۹۶ از ساعت ۱۱ تا ۱۲ ظهر در برابر وزارت کار در کنار ما بایستند.

آخرین تجمع عمومی زنان در روز جهانی زن در سال ۱۳۸۵ برگزار شد. این تجمع مقابل مجلس شورای اسلامی در میدان بهارستان برگزار و به شدت از سوی نیروهای امنیتی سرکوب شد.

لینک خبر:

www.akhbar-rooz.com: اخبار روز

**اکسیون ها به مناسبت گرامی داشت 8 مارس روز جهانی زن در کشورهای مختلف**

**RahaiZan.Org**  
سازمان رهایی زن  
The Organization for Emancipation of Women

**زندگی باد ۸ مارس روز جهانی زن!**  
تظاهرات و راهپیمایی

روز زن، روز آزادیخواهی، روز برابری طلبی  
به مناسبت روز جهانی زن  
پنجشنبه ۸ مارس  
در شهر گوتنبرگ  
علیه آپارتاید جنسی، علیه حجاب!

تجمع: ۱۷:۳۰ در Gustav Adolfs Torg  
ساعت: ۱۸:۰۰ راهپیمایی به طرف Götaplatsen

تلفن تماس: سارا مرادی ۰۷۰۴۴۹۹۸۵۳  
وریا نقشبندی ۰۷۰۵۸۲۷۵۸۳

برگزار کننده: 8:e marskommittén Göteborg

رهایی زن معیار رهایی جامعه!

اکسیون در بروکسل بلژیک به مناسبت روز جهانی زن و در حمایت از #دختران\_خیابان\_انقلاب

روز پنجشنبه ۸ مارس ۲۰۱۸ ساعت ۱۵ مقابل سفارت جمهوری اسلامی

Av. Franklin Roosevelt 15,1050 Bruxelles

بعد از اکسیون همراه زنان تشکلات دیگر از دانشگاه به سمت مرکز شهر راهپیمایی خواهیم کرد.

سازمان رهایی زن همگام با "سازمان زنان هشت مارس (ایران-

**8. März internationaler  
Frauenkampftag**



Der 8. März ist der internationale Frauenkampftag. Dieser Tag wurde 1909 von sozialistischen Frauen ins Leben gerufen. Vorrangiges Ziel damals war es, das Wahlrecht für alle Frauen weltweit zu erringen. Vor 100 Jahren wurde mit der Novemberrevolution in Deutschland das Frauenwahlrecht erreicht.

**RahaiZan.Org**  
سازمان رهایی زن  
The Organization for Emancipation of Women

**زندگی باد ۸ مارس روز جهانی زن!**  
روز زن، روز آزادیخواهی، روز برابری طلبی  
علیه آپارتاید جنسی، علیه حجاب!

اکسیون و تظاهرات خیابانی در شهر شتونگارت آلمان به مناسبت گرامی داشت ۸ مارس روز جهانی زن  
تجمع: روز پنجشنبه ۸ مارس ساعت ۱۷ در مرکز شهر Schlossplatz  
تظاهرات خیابانی در شهر ساعت ۱۸ از schlossplatz

رهایی زن معیار رهایی جامعه!



**با سپاس از ارسال مطلب برای درج در ماهنامه رهائی زن توجه شما را به نکات زیر جلب مینمایم**

سیاست ماهنامه رهائی زن در قبال مقالات و مطالب دریافتی به قرار زیر است:

1. صرفا مطالب و مقالاتی برای درج در نشریه بررسی میشوند که بنحوی به مسئله بیحقوقی و مبارزات زنان و کودکان مرتبط باشد.
  2. فقط مقالات آرژینال برای انتشار پذیرفته میشوند و نویسنده متعهد میشود تا پس از انتشار نشریه، مطلب مورد نظر را در سایت ها و یا نشریه های دیگری به چاپ نرساند.
  3. انعکاس مطالب و مقالات در سایتها یا نشریات دیگر صرفا با ذکر ماخذ . نویسنده مقالات نیز شامل این تعهد می شود.
  4. از آنجا که نشریه رهائی زن مستقل و در راستای آزادی و رهائی و برابری است و برای آزادی و رهائی هر انسانی تلاش می کند. چاپ مقالاتی که تبلیغ مذهب، ملیت ، قومیت را می کند . در نشریه منتشر نخواهد شد.
  5. مقالات دریافتی نباید از یک صفحه A4 با فونت 12 کمتر باشند و نباید بیشتر از 3 صفحه باشد.
  6. مطالب و نوشتارها تنها در فرمات مایکروسافت وورد Word پذیرفته میشوند.
  7. نشریه رهائی زن بنا به تشخیص خویش مقالات و مطالب منتشره دیگر رسانه ها را با ذکر ماخذ منتشر خواهد کرد.
  8. به دلایل محدودیت صفحات نشریه، مطالب ارسالی بنا به تشخیص اولویت بندی خواهد شد و در مطالبی رسیده باقی مانده در نشریه شماره های بعدی چاپ خواهد شد.
- با سپاس از مشارکت شما در غنی بخشیدن به ماهنامه رهائی زن

مدیر مسئول نشریه

سردبیر

شراره رضائی

مینو همتی



نامه شهین مهین فر مادر امیر ارشد تاجمیر از جانب‌اختگان سال ۸۸  
**خطاب به گلرخ ابراهیمی و سهیل عربی**

برای دختر شریفم گلرخ ابرایی و پسر شجاعم سهیل عربی



**عزیز دلم، گلرخ قشنگم**

۲۴ روز است لب به غذا نزده ای، کافی نیست؟

اعتصاب غذایی، بیماری و به کما رفتنت، برای اسلحه بدستان بی دل هیچ ارزشی ندارد. همانطور که بی گناه زندانی ات کرده اند و آزارت میدهند همانطور چشمان بی نور عشق شان را دوخته اند به جان بیماریت، تا کی بمیری و بگویند خود کشی کرده.

**سهیل عزیزم،**

پسر مهربانم که خود پدر هم هست. چوب انسان بودنش را می خورد، آنهم از دست کسانی که چویشان شوکر برقی و هزار وسیله ی دیگر است.... سهیل پسر، تو هم ۳۴ روز است در اعتصاب غذایی کدام یک از مسئولان و زندانبانان به حالت توجه کرد و نگرانت شد؟

عزیزان من، گلرخ و سهیل، اعتصاب غذای تان را بشکنید. اینجا فریاد رسی نیست اینجا عشق را سنگسار می کنند و آدمهای بد، انسانهای خوب را به مسلخ می برند صدای پای بهار می آید. لبهای خشکتان را بگشایید و با آغاز سال تازه سرود آزادی و آزادگی و عدالت بخوانید... مرده ی شما به درد وطن نمی خورد.

من از شما خواهش نمی کنم این خواسته، دستور مادر پیری ست که دیگر نمی تواند و نمی خواهد داغ جوانانش را ببیند...

**زینب جلالیان، زندانی سیاسی کرد محکوم به حبس ابد در زندان خوی نامه ای به آتنا و گلرخ ایرانی**



درد بر آزاده‌های دربند

من فریاد آزادی‌ام از پشت دیوارهای قطور و میله‌های سرد و سهمناک زندان.

بهترین درودهایم را نثار شما آزاده‌های دربند میکنم،

رفقای عزیزتر از جانم، گلرخ و آتنا و همه کسانی که به یاد من بوده‌اید، من صدای پژواک‌های شما را از پشت این دیوارهای سهمناک زندان بخوبی می‌شنوم و این صداها بهترین سمفونی کائنات‌ها برای من بوده است، صدای پژواک شما برای من یادآور کوه‌های بلند و سرفراز وطن بوده است و این ارزشمندترین هدیه بود که در طول ده سال زندانم دریافت کرده‌ام. به قول شاعر، فریاد من بی جواب نیست قلب خوب تو جواب فریاد من است.

دوستان عزیز و رفقای نازنینم، وقتی به من گفتند شما پشت میله‌های زندان هستید، قلبم به درد آمد و بعدا که بعد از مدتی طولانی خبردار شدم که علی‌رغم همه درد و خشونت و سختی‌های که در زندان بر شما روا داشته‌اند من رو از یاد نبرده‌اید و برایم نامه نوشته‌اید، خیلی از شما ممنونم و امیدوارم با مقاومت و تلاش‌هایم این همه عشق و محبت‌های بی‌دریغ شما را جبران بکنم و به شما قول می‌دهم و سوگند می‌خورم تا آخرین قطره خونی که در بدن دارم، مبارزه کنم تا لیاقت، رفاقت شما و همه کسانی که در سخت‌ترین شرایط، به یاد من بوده‌اند، را داشته باشم.

شما به جرم ناکرده در زندان هستید، اگر فکر کرده‌اند که فریاد آزادی سر دادن جرم است، این جرم چی زیبا و باشکوه است. به امید آن روز که هیچ آذیخواهی دربند نباشد.

در پایان من از همه نهادهای حقوق بشری تقاضا دارم نهایت تلاش‌های خود را برای آزادی کسانی که به خاطر آزادی و برابری در زندانهای جمهوری اسلامی به سر می‌برند، به کار ببندند تا این عزیزان هم مثل من تمام جوانی خود را پشت میله‌های زندان سپری نکنند. مقاومت زندگیست.

**تجاوز بر کودک 5 ساله افغان در اصفهان ایران**

مقام‌های امنیتی اصفهان ایران روز سه‌شنبه 6 فوریه 2018، از آزار و اذیت یک کودک دیگر افغانستانی خبر داده‌اند.



به گزارش خبرگزاری "افق"، محمد رضا عسگریان‌زاده مدیر روابط عمومی بهزیستی اصفهان با اشاره به این موضوع گفت: "این کودک پنج‌شنبه شب توسط شهروندان شناسایی شده و در حالی که در تکیه‌ای ضحیم پیچیده شده بود به یکی از بیمارستان‌های اصفهان منتقل شده است."

کودک 5 ساله مهاجر افغانستانی پنج‌شنبه شب در یکی از پارک‌های خمینی‌شهر استان اصفهان ایران پیدا شد که آسیب در اندام تحتانی و فوقانی، شکستگی پا و ضرب و جرح در صورت و دست‌هایش مشهود است.

رسانه‌های ایرانی از قول مقام‌های محلی اصفهان گزارش داده اند: کبودی بدن و شکستگی پا در این کودک در هنگام انتقال به بیمارستان مشاهده شده است.

این مقام افزوده است روز جمعه این کودک از قسمت پا تحت عمل جراحی قرار گرفته و روز شنبه نیز حضور وی به بهزیستی اصفهان اعلام شده است.

در یک سال اخیر این دومین مورد کودک آزاری مهاجرین افغان در ایران ثبت می‌شود.

مطالب، نشریه ها و مصاحبه های تلویزیونی سازمان رهایی زن را می

توانید از طریق آدرس های زیر دنبال کنید و با ما همراه باشید

سایت نشریه رهایی زن

<https://rahaizanorg.blogspot.de/>

آرشیو مقالات

<http://rahai-zan.blogspot.de/>

برنامه های تلویزیونی و مصاحبه ها

<https://www.rahaizan.tv/>

تلگرام رهایی زن

@rahaizan

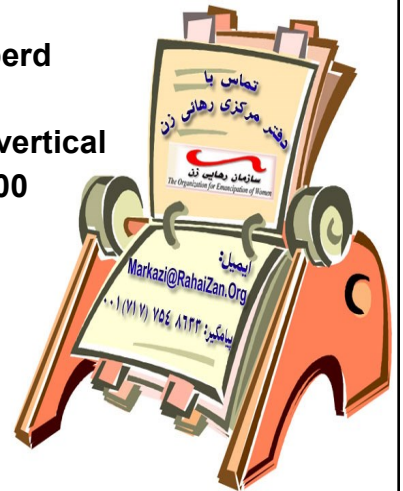
تلویزیون رهایی زن از "کانال یک" روی ماهواره "هات برد" هر هفته

دو شنبه ساعت 20:30 و چهارشنبه ساعت 15:00 بازپخش برنامه به

وقت تهران می توانید پهنده تلویزیون رهایی زن باشید.

فرکانس ماهواره:

Chanel One- Hatberd  
HoT BIRD  
Frequency 11541 vertical  
Symbol Rate: 22000  
Pol V  
FEC 5.6



## برای همکاری و تماس با نمایندگان سازمان رهایی زن در کشورهای مختلف

نروژ: شادی و رویاک مطیعی

تلفن تماس: 004790474027

ایمیل: [motiei\\_rojan@yahoo.com](mailto:motiei_rojan@yahoo.com)

سن دیگو جنوب کالیفرنیا: فیروزه فرهی

تلفن تماس: 858-531-1344

ایمیل: [firouzeh.farrahi@yahoo.com](mailto:firouzeh.farrahi@yahoo.com)

Location: 5240 fiore TER #213

San Diego"Ca 92122

جلسات کانون رهایی زن هر دوماه یکبار برگزار میشود و از طریق فلایر و ایمیل به اطلاع همگان خواهد رسید.

دیگر نقاط آمریکا: مینو همتی

ایمیل: [MinoHemati@GMail.com](mailto:MinoHemati@GMail.com)

سوئد-استکهلم: رعنا کریم زاده

تلفن تماس: 0046739286842

گوتنبرگ: وریا نقشبندی

تلفن تماس: 0046705827583

0046705827583

ایمیل: [verya.1360@gmail.com](mailto:verya.1360@gmail.com)

سارا مرادی

تلفن تماس: 0046704499853

ایمیل: [sara\\_tina2003@yahoo.com](mailto:sara_tina2003@yahoo.com)

آلمان: شراره رضانی

تلفن تماس: 004915226282583

ایمیل: [Shararehzaei.p@googlemail.com](mailto:Shararehzaei.p@googlemail.com)